

حساب میعادی ویژه غضنفر بانک

میعاد قرارداد از ۳ ماه تا ۳ سال

افتتاح حساب با حداقل ۵۰۰۰۰ افغانی یا ۱۰۰۰ دالر امریکایی
توزیع مفاد حساب ۳ ماهه و ۶ ماهه، به صورت ماهانه و حساب
بالاتر از ۶ ماه، به صورت ربع وار

مقدار مفاد:

- | | |
|------------------|----------------------|
| حساب ۳ ماهه:٪۰.۸ | ● حساب دو ساله:٪۱۰.۵ |
| حساب ۶ ماهه:٪۹ | ● حساب ۳ ساله:٪۱۱ |
| حساب یک ساله:٪۱۰ | ● |



فضائل ماه رمضان

ماه مبارک رمضان، فرصتی ارزشمند و معنیم برای تهذیب و پالایش روح و روان انسانی است. ماه رمضان، ماه سلوک و زدودن و سوءهای شیطانی از آینه دل و برافخر و حقن چراغ معرفت در بشستان وجود است.

- اللهم! در جلال، رحمانی، در کمال، سبحانی، نه محتاج زمانی، و نه آرزو مند بگفانی، نه کسی به تو ماند، و نه کسی مانی، پیداست که در میان جانی، بلکه جان نزد هر چیزی است که تو آئی.
- اللهم! یکتا بی یکتا، قیوم تو ای، بر همه چیز بینی، در همه حال دانایی، از عیب مصفایی، از شریک ببرای، اصل هر دوایی، داروی دلایی، شاهزاد فرانفرمایی، مغز ز به تاج کبریایی، مند نشین استغنا، به تور سد ملک خدایی.
- اللهم! ضعیفان را پایایی، قاصدان را بسر راهی، مؤمنان را گواهی، چه غریز است آن کس که تو خواهی.

خواجہ عبدالله انصاری

۲۸ اسد نود و یکمین سالروز استقلال کشور به ملت و دولت آزادی خواه افغانستان مبارک باد! امیدواریم یکبار دیگر با تجدید تعهد خود مبنی بر تحکیم وحدت ملی، حفظ استقلال کشور و خدمت به مردم این مرز و بوم، این روز فرخنده را تجلیل نماییم.

هیأت رهبری غضنفر بانک

غذنفر بانک

ماهنشمه اقتصادی - اجتماعی - فرهنگی
سال دوم شماره های شانزدهم و هفدهم - سلطان و اسد ۱۳۸۹



Ghazanfar Bank Monthly
Economics- Social- Cultural
Second Year- Vol. 16 – 17 July & August 2010



مرکز تجارتی غذنفر گروپ

- ▲ اهمیت اقتصادی معادن افغانستان
- ▲ کنفرانس کابل اولویت ها و برنامه های اقتصادی و اجتماعی افغانستان

- ▲ نمیوال کیدل او په اقتصاد باندې د هغې اغیزې
- ▲ دورنمای بانکداری اسلامی در افغانستان



Address:
866, Sher Pur Main Rd. Kabul- Afghanistan
Mobile: +93(0) 797860088 / 799428366
Phone: +93(0) 202101111
P.O. Box: 5598
E- Mail: magazine@ghazanfarbank.com
Website: www.Ghazanfarbank.com

فهرست مطالب

۲

سخن ماہ

اقتصادادی

- ۳ اهمیت اقتصادی معادن افغانستان
- ۷ کنفرانس کابل اولویت ها و برنامه های اقتصادی و اجتماعی افغانستان
- ۱۰ د کابل نریوال کنفرانس او د بهرنیو مرستو په وراندی پرتو ستونژی
- ۱۲ کنفرانس کابل و توقع مردم از دولت
- ۱۵ گفتگویی با نخبگان دانش
- ۱۷ نمیوال کیدل او په اقتصاد باندی د هنې اغیزې
- ۲۰ اقتصادی سلوک په قرأی پلوشوکۍ
- ۲۴ مفهوم و اهمیت اتفاق
- ۲۶ اندیشه های اقتصادی این خلدون
- ۲۷ دورنمای بانکداری اسلامی در افغانستان
- ۳۰ اخبار اقتصادی

اجتماعی

- ۳۲ باغ زنانه شهر کابل به نام باغ شهرآرا مسمی گردید
- ۳۳ پروفیسور غلام محمد میمنه ګی
- ۳۴ مواد مخدر و پیامدهای انحرافی و اقتصادی آن در جامعه
- ۳۸ مهر ورزیدن به کودک و تشکل شخصیت آن
- ۴۰ راه نفوذ در دلها
- ۴۲ اسد آبی نینګ ۲۸ نجی کونی افغانستان ولسي نینګ ایرکین لیک کونی

ادبی

- ۴۶ نیستان ویژه شعر و ادب
- ۴۸ مهربار جهان فانی را وداع ګفت
- ۵۰ رابطه اخلاق و عرفان اسلامی
- ۵۴ زندگی سیاسی علامه اقبال
- ۵۷ جمله های طلایی
- ۶۰ خجالت بکشین (طنز)
- ۶۱ بی عنوان (طنز)
- ۶۲ شهدار لایق (طنز)
- ۶۶ حکایت
- ۶۷ ویره (دادستان)

۷۰ Message of the Chief Executive Officer of Ghazanfar Bank to the Employees



صاحب امتیاز: غضنفر بانک
مؤسس: محمد اسماعیل غضنفر

مدیر مسؤول: نوراحمد فهیم

هیأت تحریر

- معاون سرمهحقق عبدالباری راشد
- پوهنیار سیف الدین سیحون
- معاون سرمهحقق شیرعلی تزری
- معاون سرمهحقق عبدالحکیم رامیار

اداره ماهنامه غضنفر بانک در ویرایش مقالات دست باز دارد

آدرس: ۸۶۶ سرک عمومی شیرپور - کابل - افغانستان
شماره های تماس: +93(0)797860088
+93(0)799428366

Email: magazine@ghazanfarbank.com
www.ghazanfarbank.com

محل چاپ: مطبوعه اتحاد کابل - افغانستان

سخن ماه

به مناسبت نودو یکمین سالروز استقلال کشور

زیرا آزادی و استقلال یگانه کلید رشد و تکامل انسان و رفاه کشور است. اما سلب اختیار، سلب آزادی و سلب استقلال فکری، ملت و کشور را به نابودی و اسارت می کشاند.

بناءً ملت مظلوم و ستمدیده افغانستان از قشر جوان، تحصیلکرده و روشن فکر کشور خواهان آن اند که در برابر هرگونه توطئه دشمن آگاه و بیدار باشند، نگذارند فرصت طبلان و آنهایی که برای منافع اجنبی کار می کنند، بر سرنوشت کشور حاکم شوند. زیرا غفلت در چنین موارد کلی خسارات جبران ناپذیری را بر جامعه و کشور تحمیل خواهد کرد. از سوی دیگر شورای محترم ملی که یکی از مراجع سرنوشت ساز کشور به شمار می رود و اعضای محترم آن نیز جزو شخصیت های نخبه کشور و نمایندگان منتخب مردم اند، در تعیین سرنوشت کشور نقش برازنده دارند. بر این اساس ملیت غیر و آزاده افغانستان از اعضای محترم شورای ملی توقع دارند که بدور از هرگونه تبعیض و اختلاف در انجام کارها، تصویب قوانین و انتخاب وزرا خصوصاً کسانی که واقعاً طی چند سال اخیر و یا در گذشته در خدمت مردم و کشور بوده اند دقت بیشتری نمایند، آنهایی که شایستگی انتخاب را دارند از تلاش در جهت انتخاب آنها دریغ ننمایند. و یا بر عکس آنهایی که از توانایی کمتری برخوردارند محترمانه از تأیید آنها پرهیزند. و توقع می رود مسائلی که منافع ملی در آن نهفته است بدون در نظر داشت هرگونه تبعیض گروهی، سمتی، قومی و لسانی به انجام آن اقدام گردد.

امیدواریم نسل جوان کشور شهامت و فداکاریهای را در میان و زنان قهرمان تاریخ کشور را که در راه آزادی و استقلال میهن عزیز ما افغانستان از هرگونه ایثارگری ها دریغ نورزیده اند، سرمشق و الگو قرار دهند، راه آن قهرمانان را ادامه داده و در جهت نجات کشور از هر گونه بدختی و وابستگی صادقانه گام بردارند.

۲۸ اسد ۱۳۸۹ مصادف با نود و یکمین سالروز استقلال کشور عزیز ما افغانستان است. نود و یک سال پیش در چنین روزی ملت غیور و قهرمان افغانستان توانست با دست خالی اما با عزم راسخ در برابر تجاوز و استعمار انگلیس که آفتاب در قلمرو کشورهای تحت سلطه اش غرب نمی کرد، به مبارزه برخاست و به لشکر متجاوز چنان ضربه ای وارد کرد که مجال فرار را از آنها گرفت. شهامت، غیرت و فداکاری افغانها زبانزد شرق و غرب شده و درس عبرت به آن ها آموخت.

از آنجا که افغانستان در قلب آسیا قرار دارد و از منابع زیرزمینی دست ناخورده و سرشاری برخوردار است که بنابر موقعیت استراتژیک آن، کشورهای سلطه گر اهمیت ویژه ای را برای آن قایل اند. بر این اساس کشورهای قدرتمند همواره تلاش می ورزند تا به این سرزمین نفوذ کنند.

جوامعی که توانسته اند مردم آن در برابر متجاوزین سلطه گر باشند و در راه حفظ آزادی و استقلال کشور خود از جان و مال بگذرند از آزادی های فردی و اجتماعی ویژه و ازآسایش و امکانات بیشتری برخوردارند. اما آنهایی که در اسارت به سر می برند از هر گونه آزادی، آرامی و ترقی محروم گردیده و زندگی خفت باری را سپری می کنند.

تجربه نشان داده است زمانی که استعمار و وابستگان آن نتوانسته اند از شیوه مستقیم به اهداف شوم خود برسند، برای حصول و حفظ منافع خود به وسائل دیگری متوصل شده اند، نیرنگ ها و گزینه های دیگری را برگزیده اند که یکی از این نیرنگ ها تفرقه بین افغانها می باشد و همواره تلاش نموده اند که با استفاده از این ترفندهای ویرانی، نا امنی و غارت سرمایه های ملی و منابع زیر زمینی کشور ما دامن زده و منافع خود را حفظ کنند. که امیدواریم ملت با شهامت افغانستان با انکا به خداوند متعال دست به دست هم بدهند و توطئه های شوم دشمنان این سرزمین را ختنی نموده و به بازسازی و رفاه مردم خوبیش بیندیشند. نگذارند که دیگران با سرنوشت شان بازی کنند.

اهمیت اقتصادی معادن افغانستان

معاون سرمحقق شیرعلی تزدی

زمان حکمرانی غوری ها معادن سرب به صورت گسترش استخراج می گردید، به روایت عروضی سمرقندی غوری ها به خوبی می توانستند فلزات را از معادن استخراج کنند. موضوع می نویسد: "ملک جبال قطب الدین در حضور امیر صفی الدین یکی از مهمترین مهترزاده گان بلخ به من گفت: کان سرب و رساد [ورسا] را از این عید تا به عید گوسفند کشان به تو دادم، عاملی بفرست. چنان کردم و اسحاق یهودی را فرستادم در صمیم تا بستان بود وقت کار و گوهر بسیار می گداخت، در مدت هفتاد روز دوازده هزار من سرب از آن خمس بدین دعا گوی رسید" این بدان معنی است که در مدت هفتاد روز شصت هزار من سرب استخراج گردیده است. که تنها خمس آن ۱۲ هزار من سهم و یا بهتر بگوییم مالیه دولت شده است.^۱ با آنهم رشد تولیدات معادن افغانستان در سالهای اخیر بسیار ناچیز بوده و سرمایه گذاری درین بخش به پیمانه ای نبوده است که بتوان در راه رشد اقتصادی کشور گامهای استوار و محکمی را بردارد و آهنگ رشد استخراج معادن کشور در سطح بسیار پایینی قرار داشته است. در حالی که توجه به بهره برداری از معادن پیوند ناگرسانی به رشد صنایع دارد و هردو باهم می توانند نقش اساسی را در تسریع آهنگ رشد اقتصادی کشور ما بازی کنند. در پهلوی اینکه می

افغانستان از لحاظ موقعیت جغرافیایی در قلب آسیا واقع بوده و از لحاظ شرایط مساعد اقلیمی و طبیعی می تواند نقش قابل توجهی را در اقتصاد منطقه ایفا نماید. با گذشت زمان و وقوع تحولات عظیمی اقتصادی، تجاری و سیاسی بین المللی هنوز هم بادر نظرداشت موقعیت جغرافیایی مناسب که دارد می تواند جایگاه خاص خود را در منطقه و کشورهای عضو سازمان ایکو و سارک داشته باشد. گرچه حوادث سه و نیم دهه اخیر سبب شد تا افغانستان به یک کشور منزوی تبدیل شده و نتواند با استفاده از موقعیت استراتژیک و سوق الجیشی خویش عقب مانی را مرفوع ساخته و به یک کشور پیشرفته بدل شود. خوشبختانه امروز یکبار دیگر افغانستان در محراق توجه جهانیان و منطقه قرار گرفته و تلاش می گردد تا از امکانات بالقوه موجود در آن استفاده صورت گیرد، که یکی از این امکانات معادن افغانستان می باشد.

افغانستان از نگاه ذخایر معدنی یک کشور غنی بوده و این ذخایر در نقاط مختلف کشور موجود است. اسناد تاریخی گواه آنست که در قریم نیز در بعضی مناطق کشور از معادن طلا، نقره، مس، سرب، جست و احجار قیمتی استفاده صورت می گرفته است. به طور مثال: در





تائید می نمایند حاکی از آن است که، افغانستان به ارزش یک تاسه تریلیون دالر ذخایر معدنی دارد. که هرگاه از امکانات بالقوه به بالفعل تبدیل شود می تواند اقتصاد افغانستان را به یکی از اقتصادهای متحرک و پیشرفتی تبدیل نماید. در حقیقت می توان گفت که این یک خبرخوشی در راه رهایی مردم کشور از فقر جانکاه طولانی می باشد، زیرا در پهلوی اینکه موجودیت معدن و بهره برداری از آن به ذات خود زمینه ساز بھبود وضع زنده گی مردم می باشد، عوامل دیگری فقر از قبیل بیکاری و نبود اشتغال، نبود زیر بنها و خدمات را نیز از میان برداشته و زمینه را برای رفاه اجتماعی و اقتصادی مهیا می سازد. بهره برداری از معدن ایجاد می نماید تا شاهراه ها، خطوط آهن و غیره امکانات موصلاتی و انتقالاتی از مرکز استخراج تا بازار فروش احداث و به بهره برداری سپرده شود. در صورت تحقق این امر یعنی تکمیل شاهراه حلقوی، خط آهن غرب افغانستان را به آسیا ای میانه در تاجیکستان وصل می کند. همچنان بروزه خط آهن که معدن مس عینک را به پاکستان در جنوب شرق افغانستان و به تاجیکستان در شمال افغانستان متصل خواهد ساخت و در نظر است تا در پنج سال آینده تکمیل شود، چرا که سرمایه گذاری در معدن در قدم اول نیاز مند سیستم پیشرفتی حمل و نقل برای رسانیدن مواد استخراج شده به بازار فروش در منطقه و جهان می باشد، همین طور استخراج معدن به اطلاعات بیشتر نیاز دارد که باید زمینه آن فراهم گردد.

لکن متاسفانه که در شرایط فعلی موانع متعدد در راه پیشرفت استفاده از منابع معدنی کشور موجود بوده که عدمه ترین آن عبارتند از :

- ★ نبود امنیت کامل و سراسری برای مطالعات فنی و تحقیقاتی جهت آماده سازی زمینه های استخراج معدن ؛
- ★ ضعف مهارت، تخصص و مدیریت در زمینه بهره برداری از معدن؛
- ★ موجودیت فساد گسترده اداری و حاکمیت اقتصاد مافیایی در بسا موارد؛
- ★ کمبود و یا حتی نبود سرمایه لازم داخلی برای سرمایه گذاری در معدن ؛
- ★ کم علاقه گی سرمایه گذاران خارجی در نقاطی که از امنیت کامل بر خودار نیستند، زیرا سرمایه گذاران خارجی به سود هنگفت در کمترین مدت می اندیشند لذا به جای سرمایه گذاری در معدن و بخش های دیر ثمر به سرمایه گذاریهای اندک در رشته های کم اهمیت

توانند نقش قابل ملاحظه را در روند از بین بردن بیکاری و کاهش فقر داشته باشد، به خوبی می توانند افغانستان را از یک کشور مستهلك تولیدات خارجی به یک کشور مولد و صادرکننده محصولات بدل نماید. بدین معنا که حوايج مادي و نيزامنديهای اجتماعی مردم را مرفوع ساخته و کشور را از وضع نابسامان اقتصادي کنونی رهایی می بخشد.

در حال حاضر ۲۶ نوع مختلف مواد معدنی در ۸۹
منطقه کشور که از اهمیت اقتصادی فوق العاده برخوردار است مطالعه و تثبیت گردیده است که از آن جمله بعضی انواع ام مانند: بیریل، کروماتیت، ذغال سنگ، آهن، لا جورد، نمک، تالک و گاز طبیعی در صورت موجودیت بازار فروش، به پیمانه وسیع امکان استخراج آن وجود داشته و ذخایر معدنی دیگرچون مس، سرب، جست، طلا و غیره نیز در اینده امیدوارکننده می باشد.(۲)

همچنان ذخایر طلا در تخار، بدخشنان و غزنی، ذخایر سرشار مس و آهن در مرکز و جنوب افغانستان وجود دارد و منابع قابل توجهی نفت و گاز در شمال افغانستان دست نخورده مانده است. به همین ترتیب ذخایر معدن آهن حاجیگ ک در بامیان مرکز افغانستان " که یکی از ذخایر زیر زمینی کاملاً دست ناخورده کشور است، حدود دو میلیارد تن آهن در خود دارد که ارزش این معدن بالغ بر سه تاسه صدوینجاه میلیارد دالر تخمین زده شده است." (۳) که سرمایه گذاری درین معدن از اهمیت خاصی برخوردار می باشد. ارزش ذخایر نفت و گاز شمال به قول وزیر معدن کشور به بیش از یک و نیم میلیارد دالر بالغ می گردد. همچنان روزنامه نیویارک تایمز از قول دانشمندان زمین شناسی امریکایی درمورد ذخایر معدنی افغانستان می نویسد که: در افغانستان به ارزش یک تریلیون دالر معدن مس و لیتیوم کشف گردیده است. روزنامه علاوه می کند که ارزش ذخایر لیتیوم افغانستان معادل تیل عربستان سعودی می باشد. همچنان روزنامه می نویسد که افغانستان به اندازه آهن و مس دارد که می تواند در تولید مس و آهن مقام اول را در جهان به دست آورد. روزنامه به ادامه علاوه می کند که این ذخایر بزرگ در سرحدات افغانستان و پاکستان واقع بوده و چنان شاهرگ های بزرگ مس، طلا و کوبالت وجود دارد که در صورت استخراج آن کشور جنگ زده مثل افغانستان می تواند در قطار کشورهای تولیدکننده مواد متذکره قرار بگیرد. به هر حال ایجاد می نماید تا در زمینه مطالعات بیشتر به عمل آید. بدون شک در صورت موجودیت شرایط مساعد بهره برداری از معدن کشور اخبار مذکور نوید دهنده آینده روشن اقتصادی و تجارتی کشور ما می باشد. زیرا راپورهای منابع خارجی که مقامات دولتی کشور نیز آنرا

کشور چشم دوخته بودند و به مشابه یک پشتونه قوی کشور های خارجی را به کشور ما علاوه مند ساخته بود، کاهش داده و دیگر هیچ امیدی به آینده نخواهیم داشت. با در نظرداشت مطالب گفته شده بالا لازم است تذکر داد که در صورت استفاده از معادن و سایر منابع طبیعی طوری بر خورد نشود که استفاده کننده طوری فکر کند که گویا این ملکیت عامه میراث پدران او است لذا هر طوریکه دلش خواست از آن استفاده نماید، بلکه طوری بر خورد شود که امانت نسل آینده کشور ما بوده و باید اقتصادی از آن استفاده شود، زیرا ما نمونه های از به هدر رفتن منابع و افتخارات تاریخی کشور خود را طی سالهای نزدیک داریم، به طور مثال: قبل از سال ۱۳۸۰ رادیوی BBC در یکی از برنامه های خبری خود اعلان نمود که به مقدار ۲۵۰ سیر کابل سکه های طلایی که ارزش تاریخی داشته و قیمت آن به مراتب بیشتر از آنست که به وزن فروخته شوند، از میز که ولایت پکتیا توسط قاچاق بران غصب و جهت سهولت کار ذوب و به شکل شمش در آمد و به خارج جهت فروش انتقال داده شده است. هدف از یاد آوری گفته های فوق اینست که مثالهایی از سوء استفاده از ثروت های ملی وجود داشته است لذا دست اندر کاران عرصه اقتصادی کشور جدا به آن توجه نموده و با استفاده از تجارب گذشته متوجه باشند تا دیگر ثروت ملی به هدر نرفته، زمینه بازسازی، نوسازی و رشد و ترقی کشور مدنظر باشد.

بیشتر توجه می نمایند، از جانب دیگر سرمایه گذاریهای هنگفت بخصوص در معادن، نیاز مند تخریک مدرن و مجهز بوده و تخریک مجهز بدون تامین امنیت کامل امکان پذیر نیست؛

★ ضعف حاکمیت قانون و کمبود زیر بنایا (شاهراه ها، ارژی و امثالهایم) در نقاطی که معادن در آن موقعیت دارند، همچنان تمرکز بیشتر دستگاه های فنی و افراد کارداران در پایتخت و شهر های بزرگ و امن، که در چنین وضعی مناطق دور دست را از کمک های فنی و ضروری بی بهره می سازد. در چنین محیط و شرایطی حاکم بر فعالیتهای بهره برداری از معادن ضرورت تغییر اساسی و وسیع در سیاست های اقتصادی احساس می شود تا این بخش بتواند راه نا هموار خود را به سوی آینده بهتر بگشاید.

نکته قابل تذکر دیگر اینکه عامه مردم در شرایط موجوده کنونی به این می اندیشنند که آیا استخراج معادن و بهره برداری از آن خواهد توانست زمینه رفاه عامه و کاهش فقر را مهیا سازد؟ آیا ازین بحر قطره در راه تامین منافع ملی و رفاه اجتماعی عامه مردم و نسل آینده کشور به مصرف خواهد رسید؟ و یا بر عکس فاصله غنی و فقیر را بیشتر از این افزایش داده، فقر را گسترشده، اجتناب نا پذیر و دائمی خواهد ساخت؟ و عواید به دست آمده از مدرک محصولات معادن به عده معادوی تعلق گرفته و در بانکهای خارجی ذخیره خواهد شد، که درین صورت توجه کشور های خارجی را که طی سالیان متتمادی به معادن



^۱ اصغر فروغی . تاریخ غوریان ، تهران ، سمت ۱۳۸۱ ص ۹۷

^۲ محمدظریف، تنبیه، حمیدالله، امین. جغرافیای اقتصادی افغانستان، کابل پو هنتون، ۱۳۸۲، ص ۵۸

^۳ روزنامه انبیس، شنبه، ۱۲ سرطان ۱۳۸۹

^۴ روزنامه انبیس، تاریخ اول سرطان ۱۳۸۹



حساب مشاربہ میعادی

این حساب بانکی بین مشتریان و غضنفر بانک در روشنایی شریعت اسلامی و پیروی از اصول و معیارهای فقه مشاربہ انجام میابد. مفاد حلال این حساب بانکی که از سرمایه گذاری در پروژه های مشروع واسلامی به دست می آید، بعد از سپری شدن زمان قانونی آن که در قرارداد میان طرفین قید شده است، به حساب مشتری انتقال میابد. مدت قانونی این حساب بانکی از شش ماہ تا یک سال می باشد.



غضنفر بانک پیشتاز در بانکداری اسلامی



کنفرانس کابل

اولویت ها و برنامه های اقتصادی و اجتماعی افغانستان

بوهیار سیف الدین سیحون استاد دانشکده اقتصاد دانشگاه کابل

پنداشته و برای عبور از چالش ها و دشواری های کنونی در گیری روز افرون و رشد هراس افغانی و نارسایی های ساختاری در نهاد سازی، برنامه هایی را روی دست دارد. ثانیاً اینکه افغانستان به تدریج قادر می گردد تا مالکیت پژوه ها و طرح های توسعه را متکی بر اولویت ها و نیاز مندی های خود غرض جلب حمایت مالی جامعه جهانی ارائه می دارد، و زمینه ای را فراهم می آورد تا دیدگاه های کارشناسی برای طرح برنامه های عمده ملی تبارز یابند و ظرفیت و توانایی های کادر محلی برای تحقق عملی پژوه ها نیز توسعه یابد.

کنفرانس کابل آزمونی بود تا نهاد های نو پای کشور ما با معیار ها و ضوابط بین المللی طرح های دور نمایی خویش را سامان بخشنده و توانایی های عملی خود را نیز در کاربرد و اجرایی کردن برنامه های متباز سازند و امکانات بسیج نیروها و ظرفیت های بالقوه را عینیت و تطابق عملی بخشنده.

کنفرانس در تداوم تعهد جامعه جهانی برای تمویل پژوه های اقتصادی و اجتماعی بخش توسعه زراعت و زیر ساخت های روسایی را عامل ثبات و امنیت پایدار پنداشته، غلبه بر نارسایی های و فقر دامن گیر در روستاهای فراهم آوری فرصت های آبیاری، دسترسی به قرضه و عرضه خدمات فنی و جاده سازی مرتبط است.

کنفرانس کابل در تداوم همایش سال ۲۰۱۰ لندن مبتنی بر تعهدات مشترک برای کمک به افغانستان به هدف دستیابی به امنیت، رفاه و دموکراسی و پذیرش مسئولیت بیشتر دولت افغانستان در تامین امنیت، همکاری منطقوی، صلح و توسعه اقتصادی به تاریخ ۲۹ سرطان سال جاری دایر گردید.

جامعه جهانی در کنفرانس لندن فرایند مساعدت مستمر به افغانستان را که در کنفرانس های بن، توکیو، پاریس و لاھه تبیین شده، متعهد گردیده و حمایت خود از قطع نامه های شورای امنیت مبنی بر ثبات و رفاه کشور را حمایت و تائید نموده و همکاری های مؤثر بین المللی را به هدف تنظیم بهتر مساعدت ها پیشنهاد نمود.

کنفرانس کابل تمثیلی از اراده جامعه جهانی به هدف حمایت دوام دار از روند آغاز شده در کشوری در حال جنگ و منازعه است. این کنفرانس زمینه ای را فراهم آورد تا نهاد های اجرایی، اهداف دور نمایی و عملیاتی خود را در بخش های امنیتی، همکاری های منطقوی توسعه دهات و زراعت، زیر ساخت ها، حکومت داری و تحکیم صلح مطرح نماید.

تدویر این کنفرانس از دو دیدگاه داری اهمیت ویژه است. نخست آنکه، جامعه جهانی هنوز هم افغانستان را کانون توجه خویش



تسهیل تجارت و سرمایه گذاری ها نیز با فراهم آوری امکانات انتقالاتی و ترانزیتی و سهولت های خدماتی بندري در رابطه بوده افغانستان می تواند نقطه اتصال میان جنوب آسیا، آسیای مرکزی و شرق میانه باشد و از این موقعیت خود به هدف انتقال و ترانزیت کالاهای در سطح ملی و منطقوی نقش مؤثری ایفا کند.

افغانستان با توجه به ذخایر بزرگ معدنی مس، آهن، گاز طبیعی و سنگ های قیمتی، سرمایه گذاری گسترده ای را در همکاری شفاف با جامعه بین المللی می بایست تجربه کند. بهره برداری و استخراج منابع طبیعی از یک سو موجب ایجاد فضای کار و اشتغال برای جمعیت بیکار کشور شده و از سویی عامل انباشت و تمرکز سرمایه لازم برای توسعه اقتصادی سایر بخش ها می گردد.

کنفرانس در زمینه اقتصادی فرصتی را فراهم ساخت تا دید استراتژیک و دور نمایی در مورد زیر ساخت ها شکل گیرد و امور اجرایی بخش ها در پیوند و رابطه متقابل باهم تحقق یابند و شرایطی را فراهم آورد تا مجموعه اقدامات مقطعی و پراگانده در جهت هم سویی با اقتصاد ملی و توسعه همه جانبه تمرکز یابد و پیشرفت اقتصادی نهادینه گردد.

توسعه اقتصادی و اجتماعی با سرمایه گذاری نیروی انسانی پیوند نا گیسته داشته سازمان دهی و اجرایی کردن پروژه های گوناگون با مدیریت پویا و آگاهی های تخصصی علمی و فنی نوین در رابطه است. فراهم آوری تعليمات ابتدایی، افزایش کمی و کیفی تحصیلی دانشگاه ها، از بین بردن خلا میان فراغت و استخدام، افزایش کمی و کیفی فارغان تعليمات حرفه ای و بهره برداری از نهاد های عامه و خصوصی چهت فراهم آوری برنامه های آموزشی معاصر، گام هایی اند که در کنفرانس در آن توجه شد.

توسعه اقتصادی با ایجاد زیر ساخت های پا بر جا نیز مرتبط بوده و توجه به این بخش بنابرآهیت کمک های کوتاه مدت مبتنی بر نیاز مندی جامعه ما تحقق نیافرته و توجه به این بخش عامل توسعه تجارت، استخراج و بهره برداری از معادن، تقویت سرمایه گذاری ها و توسعه جهانی گردی ارزیابی می گردد.

در کنفرانس روی افزایش دسترسی به انرژی و سرمایه گذاری بیشتر روی این عرصه تاکید شد. همچنان ایجاد سیستم ترانسپورت عصری به هدف تامین ارتباط میان تولید کننده گان و مشتریان، دسترسی به فراورده های کشاورزی ساحات مختلف کشور، بهبود و توسعه زیر ساخت های انتقالاتی و ایجاد خطوط آهن مهم پنداشته شد.



حساب وقف



این حساب بانکی تمام آن پرداخت های نقدی را در بر می گیرد که از مبالغ نقدی حاصل از بسته نمودن حسابات بانکی به دست آمده و یا از طرف کدام نهاد، شخص و یا اداره برای بهبود امور عرصه های خاص زندگی افغان ها به این حساب بانکی پس انداز گردیده باشد. تمام این مبالغ نقدی به تعمیل پروژه هایی به کار برده می شود که از طرف بخش بانکداری اسلامی تشخیص و تأیید شده و اسناد تنفيذ آن جهت بررسی بعدی برای ادارات ذیربط نگهداری می شود. به طور مثال:

- کمک به مرکز فرهنگی حضرت محمد(ص) در ولایت سمنگان.
- کمک وسائل طبی به شفاخانه اطفال اتاترک.
- کمک به جمعیت دارالخیر در ولایت کندز.
- کمک به مرکز اصلاح و تربیت اطفال ولایت کابل.

غضنفر بانک پیشناز در بانکداری اسلامی



د کابل نړیوال کنفرانس

او د بهرنیو مرستو په وړاندی پرتي ستونزی

څيږندوی محمد زريم جاوید

دایر شوی دی چې په هغه کې هم نړیوالی ټولنۍ له خوا د افغانستان سره مرستو د دوام په هکله ژمنې شوی دی. د افغانستان خلک په دې باور دی چې نړیوالی ټولنۍ کومې مرستى چې د افغانستان دولت سره د بیارغونی او جوړونې په برخه کړی دی، یو برخه یې په قید او شرطونو ولاړه ده او نوره زیاته برخه یې هیوادنو د انجوګانو له لاري په لګښت رسیدلی دي. چې الته ددي مرستو د لګکولو پوره معلومات د افغانستان دولتي چارواکو سره هم نشته. په دې بهانه چې د افغانستان اداره ددي مرستو د لګکولو ظرفیت نه لري همدا بهرنې مرستى دي چې دولتی کادرونه په لوړو امتیازونو او معاشوونو استخداموی د افغانستان د جمهوري دولت د مالیې وزارت د مطبوعاتي مصاحبي له مخې په تیرو نهه کلونو کې نړیوالو سرچینو د (۶۲) میلاردو امریکاني ډالرو په کچه افغانستان دبیا رغافونې لپاره وعدی کړی دی چې تر اوسه پورې ددي پیسو نیمایې برخه هم نه دي سپارلې او پاتې نیمایې برخه یې هم د افغانستان د دولت او خلکو د غونښتو په خلاف په لګښت رسیدلی دي(۱)، ضروري نه وه چې په لګښت رسیدلی واي. او دنیمایې پاتې برخې خخه یې هم یوه لویه برخه د بهرنیو مشاورینو د حقوقو معاشوونو او سترو قراردادونو او بهرنیو موسسو له لاري د هیواد خخه وتلي دي.

د کابل کنفرانس چې د روان کال د چنګکابن په (۲۹) مه چې د جولای د میاشتني (۲۰) نیټې سره سمون خوري، د کابل په بنارکې جوړیږي. دا لوړۍ خل دی چې د ملګرو ملتونو په کوربه توب یو نړیوال کنفرانس د افغانستان د راتلونکې په اړه د افغانستان په پلازمنه کابل کې جوړشو.
ددی کنفرانس مهمې برخې عبارت دي له:

- ۱- د اقتصاد بنسيزو جوړښتونو جوړونه
- ۲- د امن او ټیکاو له پاره لازمي مرستى کول
- ۳- د کرنې ودي او میکانیزه کولو او په کرنې پوري اړوند چارو خینه او مرستى کول
- ۴- د بشري ظرفیتونو د ودی له پاره د لارو چارو لټون او مرستى کول
- ۵- د غوره حکومتوالی د عناصرو خینه او مرستى کول

د شک پرته ددي دول کنفرانس دا ډیل دا په ډاګه کوي چې د نړیوالی ټولنۍ پام د افغانستان د راتلونکې په هکله شتون درلود او لري.

مخکې له دی هم د افغانستان خخه بهر یو شمیر غونډي او نړیوال کنفرانسونه لکه د بن، توکیو، برلين، پاريس او لندن

پې نې درلود او په هیڅ وجه قرار داد په پلي کولو قادر نه و. یوازی دلسو او یاشلو سلنډ د ګټۍ په ترلاسه کولو په خاطر دویم لاس ته قرار داد سپارل شوی دی چې بالاخره پنځم او شپږم لاس ته هم قرار داد غزیدلی دی په پایله کې د کار ګټور توب او اغیزمنتوب له منځه تللى ده.^(۴) که چیری سپک پري جوړ شوی ده نو پېښته په لړه موده کې ويچاړ شوی ده او که بند جوړ شوی ده نو په لنډوخت کې د نړیدو امکان یې ډیردي او که تعمیر او مکتب پري جوړ شوی دی نو امکان لري چې په لړه موده کې چې شي، بنګ که چیري د انصاف له منځي قضاوټ وشي نو په ډاګکه به شي چې اصلًا فساد کوم خای خخه سرچینه نیولی ده؟

بله ستونزه داچې دبن دکنفرانس د دایريدو او دلنډمهاله دوری د منځ ته راتلو سره یو شمیر هغه افغانان چې کلونه مخکې په لویدیڅئي نېړي کې میشت و د پخوانی پېژندګولې په اساس یې دونرانو سره په مصلحت یو شمیر انجوګانی جوړي کړي او په ډیرو برخو کې نه یوازی د دونرانو مشاورین شول، بلکې په ډیرو بهرنیو موسسو کې یې رسمي دندی هم ترلاسه کړي. دغه شمیر کسان و چې د افغانستان سیاستي، اقتصادي او ټولنيز وضعیت خخه په لړه کچه هم خبرنه و او دونرانو ته به یې صلاح او مشوری ورکولی بهرنی مرستي یې دا ډول سازماندهي کړي چې هر چا خپلی موخي او ناوړه هدفونه په کې ترسره کړل. له بلې خوا د نړیوالو مرستو خخه منظور د جنګ څلی افغانستان یيارغاونه او دخلکو اعتماد راجلبوو و.

مګر دغه کړنه د ناسم طرزالعمل او د افغانستان دشرايطو سره نا بلدیت و چې دنېړیوالی ټولنی او او د افغانانو ترمنځ یې دبې باوري یوه ستړه خلا رامنځته کړه ، (۷۵) ستونه مرستي په اساسی او ضروري خایونو کې چې لازمي وي په لګښت ونه رسیدي چې په پایله کې د افغانستان ییا رغاونه او د خلکو اعتماد په جلبوو کې کموالی راغلو، د دولت او خلکو ترمنځ فاصله مخ په زیاتيدو شووه.^(۵)

کومو فکتورنو او نیمکړیاواو ته چې مور په دی مقاله کې ورته اشاره وکړه داپدی مانا نه ده چې مور په تیرونهو کلونو کې د ټولو بریاوا او لاسته راوینو خخه سترګکی په کړي دی، بلکې په ټول افغانستان کې په سلهاواو کیلومترو په کچه پاخه او اساسی ډول سپکونه جوړ شوی دی، په سلهاواو بابه د بنونځیو او کلینکونو تعمیرونه جوړ شوی دی نوری پرمختیاوي لکه د کلیو پراختیا د کرنی او مالداري او نورو په لسکونو مواردو کې چې کوم کارونه سرته رسیدلی دی د قدر او اهمیت وړیل کیږي. که

د ماليې وزارت د چارواکو په حواله (۸۰) ستونه مرستي په دی بهانه چې په افغانستان کې کاري ظرفیتونه شتون نه لري په نیغه توګه په بیلاپیلو پروګرامونو کې په لګښت رسیدلی دی، یواخی (۲۰) ستونه د افغانستان د جمهوري دولت په اختیار کې ورکړل شوی دی او (۸۰) ستونه مرستي د تمویل کونکو ھیوادونو له خوا په لګښت رسیدلی دی، چې د افغانستان دولت په هغو کې هیڅ ونډه او اختیار نه درلود.^(۶) چېږي برخه پروژې پرته د حکومت له صلاح او مشوری ددی پرخای چې لوړېتوبونه په نظر کې ونیول شي د دونرانو له خوا پلي شوی دي.

د ساري په توګه دآلمان ھیواد دخپل مرستو زیاته برخه په کندز ولايت کې بیلاپیلو پروګرامونو کې په لګښت رسولي ده، د فرانسي ھیواد دخپل مرستو زیاته برخه په کاپیسا، هالند په اروزگان ولايت کې په همدي ډول د انګلستان ھیواد قوتونه چې په هلمند ولايت کې په خدمت بوخت دي د مرستو زیاته برخه یې په همدي ولايت کې په لګښت رسولي ده. په تیرو نهه کلونو کې یوازی (۷۷۰) مليونه ډالره دی چې دپور په ډول یې د افغانستان حکومت په اختیار کې ورکړل شوی دی چې په شفافه توګه په لګښت رسیدلی دی.^(۳) څرنګه چې په پورته توګه ورته اشاره وشهو چې د غربی نېړی د تبصره او انګیزو خخه داښی خرګندېږي چې د افغانستان دولتي اداره په لویه کچه د پیسو دلګښت څواک نه لري او دبلي خوا په دولتي ادارو کې د اداري فساد لویه ستونزه شتون لري، نو په دی دلیل که چیري پخچله دونران د افغانستان د بیا رغاونی په برخه کې پیسی په لګښت ونه رسولي، ددی امکان شته چې د مرستو پیسی به د اداري فساد په نتیجه کې چور او تالا شي، دلته یو مشهور متل را په یادشو چې وايی: ((غورې روغنی خوړلی و خوله ئې په ګونګه غوره کړي وه))

په ربستیا هم چې د بیوزلی او د ژوند د کچې د ټېټوالی له امله د افغانستان په اداره کې هم تیرو کلونو راهیسي اداري فساد په کم اوبيا زیات ډول شتون درلود، خو د احصائيو خخه څرګندېږي چې په تیرو نهه کلونو کې دغه زولنه ناروغۍ اخيري برید ته رسیدلی ده. فکتورونه شتون لري چې په تیرو نهه کلونو کې په لړه کچه اداري فساد د بهرنیو سرچینو خخه رامنځته شوې دی دی.

د ساري په توګه ډير شمیر دلوي ګچې لګښتی قرار دادونه چې د دونرانو له خوا طرح شوی دی په لوړۍ خل هغو ګسانو ته ورکړل شوی دی چې اصلًا ددی کارپلې کولو اهلیت



لاتر اوسه پې لاس خویلی نه دي او نو دي (۵/۳) تریلیون ډالرو خخه زیات ارزښت لري. د بربینتنا لویو بندونو جوړول، د کرنۍ، مالداری او بنهوالي ته وده ورکول په خانګړي توګه د اوبو بنستیزی پروژی باید جوړي شي او هغه یومیلیارد مترمکعبه او به چې د دومیلیاردو ډالرو په ارزښت زموږ د خاوری خخه بهر ته حې ذخیره شي او د کابل نپیوال کنفرانس په لوړیتوبو کې د خای ورته ورکړل شي. د پاریس په کنفرانس کې د افغانانو غونښته دا وه چې د مرستو نیمایی برخه د افغانستان د بودجې له لاري په لګښت ورسیروی او نپیوالی ټولنې هم د غه وړاندیز ومنلو خوپه خواشني سره باید ووایم چې دغه کړنی عملی جنبه پیدانګړه غواړم چې یوڅل بیا یادآوری وکړم چې په هیواد کې دوي پدیدی لکه امن او د خلکو د باور خچلو قابل د بحث دي چې دواړه یو تر بله ټینګکی اړیکې لري، امن هغه وخت منځته راتلای شي چې د خلکو اعتماد دخانه سره ولري بناً د افغانانو توقع او غونښته د نپیوالی ټولنې خخه داده چې د کابل نپیوال کنفرانس د نورو کنفرانسونو پرتله خانګړي او مهمي برخې ولري . مرستي باید په شفافه او صادقانه چول د افغانستان دولت له لاري او د نپیوالی ټولنې د کنترول او نظارت لاندې په لګښت ورسیروی.

چېږي د انجوګانو او موسسو له خوا چور او تالا موجود نه واي او نپیوالی مرستي په سمه توګه د افغانانو په واسطه د نپیوالو د خارنۍ او نظارت لاندې په کارلویدلی واي نونن ورڅ به د افغانستان په ټولنه کې د سترو پرمختګونو شاهدان و. په دي وروستيو ورڅو کې د ډجاپان هیواد د افغانستان سره دراټلونکو پنځو کلنو په موده کې د بنسټیزو پروژو د پلي کولو په خاطر د پنځو میلیاردو امریکایي ډالرو مرستي ورکولو وعده کړي ده په ربستیا هم د ډجاپان دوست هیواد دویمه درجه مرستندویه هیواد دی چې د افغانستان سره پې مرستي کړي دی او کوي خو زموږ د افغانانو اساسی ستونزه د مرستو په جلبلو کې نه ده بلکې اساسی ستونزه د مرستو خخه په ناسمه توګه استفاده کول دي چې مرستي باید په شفاف ډول په بنسټیزو پروژو کې په کار یووړل شي، که چېږي نپیواله ټولنه غواړي چې افغانان روغه سټه ولري، غذايی مصنویت ولري، د بوختیا زمينه ورته برابره شي، بربیننا ولري، سالم چاپریال ولري، پرمختنلی صنایع ولري او نوري په لسکونی ستونزی حل و فصل شوی وی نو ددي هيلو د پوره کولو لپاره په لوړۍ کام کې باید مرستي په بنسټیزو سترو پروژو ولکول شي لکه: د اوسبېنې پټلی جوړول د هیواد د کانونو د زیرمو رايستل کوم چې



٣. د مالی وزیر مصاحبه د بی بی سی رادیو پېښتو خانګه ۱۳۸۹/۴/۱۵
٤. د ائیس ملي ورڅانه ۱۳۸۹/۳/۴ مسلسل نمبر ۲۱۷۳۶
٥. د ائیس ملي ورڅانه ۱۳۸۹/۹/۴ مسلسل نمبر ۲۱۷۴۱
٦. د ائیس ملي ورڅانه ایس، کنفرانس بین المللی کابل مشکل کېبد آپ ۱۳۸۹/۴/۹
٧. اشرف غنی احمد زی، د عادله نظام لاز ۱۳۸۸ کال، ۲۵۵ مخ

کنفرانس کابل

و توقع مردم از دولت

نویسنده: فرید احمد اختری



می شد. چون پول به افغان ها کمک می شود بنابراین مصرف آن نیز باید به دست افغان ها باشد و منافع مردم و دولت افغانستان باید به صورت شفاف در نظر گرفته شود. دو طرف در برابر همدگیر یعنی هم حکومت در برابر جامعه جهانی و هم جامعه جهانی در برابر حکومت افغانستان تعهد داشته باشد به همین ترتیب افغان ها و شرکت های افغانی در انجام پروژه های انکشافی و زیر بنایی کشورشان سهیم شوند و این امر منجر به رهایی مردم افغانستان از بیکاری و فقر خواهد شد.

همچنان پلان های اقتصادی و انکشافی دراز مدت برای بازاری افغانستان در این کنفرانس مورد بحث قرار گرفت و به تصویب رسید و مردم را نسبت به آینده شان امید وار ساخت. جای شک نیست که این کنفرانس یک بار دیگر اعتماد حکومت افغانستان را در زمینه های مختلف تحت آزمایش قرار خواهد داد و بدون شک این در واقع یک سوالی است نزد جامعه جهانی که آیا حکومت افغانستان خواهد توانست که این کمک ها را مطابق به خواست و توقع جامعه جهانی، بدون کدام دستبرد در راه انکشاف و بهبود اقتصادی استفاده نماید. با وصف آنکه چالش های بسیار قوی در برابر حکومت افغانستان وجود دارد بهر صورت مردم افغانستان از حکومت می خواهد که از خود باید ظرفیت نشان بدهد که توانایی بdst آوردن این کمک هارا دارد و هم می تواند به طریقه درست و در یک روند شفاف آن را به مصرف برساند تا زمینه رفاه مردم و پشیده اهداف اقتصادی کشور مبنی بر ایجاد زیر ساخت هایی مهم، بازسازی مناطق تخریب شده و اجرای طرح های اقتصادی در کشور فراهم گردد. این امر باید جزئی از اهداف اساسی دولت باشد، در این صورت زمینه های کار برای مردم فراهم خواهد شد و با فراهم شدن زمینه های اشتغال، مردم از جنگ و همکاری با مخالفین دست خواهند کشید و بدین ترتیب زمینه صلح و امنیت در کشور مساعد خواهد شد که بدون تردید نقش دولت و حکومت در این میان بسیار مهم و حیاتی است.

کنفرانس بین المللی کابل با شرکت نمایندگان حدود ۷۰ کشور جهان در تاریخ ۲۹ سپتامبر سال روان به ادامه کنفرانس های بن، توکیو، برلین، پاریس و لندن در کابل برگزار گردید. اهمیت و ویژگی این کنفرانس که به دعوت حکومت افغانستان صورت گرفته است، نمودار توجه بیشتر جامعه جهانی به مسائل اقتصادی و ارج گزاری به ارزش های سیاسی و امنیتی افغانستان در منطقه است، یقیناً که اشتراک این کشور ها در این کنفرانس و تعهد کمک های مالی برای پیشرفت افغانستان نمایانگر حمایت جامعه جهانی از روند جاری در افغانستان می باشد.

با توجه به توافقات بن که از آن نه سال تمام گذشته است و حکومت افغانستان در این مدت بنابر ملاحظات سیاسی و امنیتی نتوانست از این کمک ها استفاده مطلوب نماید، اکنون در صدد است تا به نحو بهتر و با پلان ها و برنامه های جدید و تخصصی ابتکار عمل را به دست خود گرفته و کشور را از حالت سردرگمی نجات دهد. چنانچه حکومت افغانستان در این کنفرانس از جامعه جهانی تقاضای بیش از ۱۵ میلیارد دالر و مصرف ۵۰ درصد آن را از طریق بودجه دولت نموده و نمایندگان کشور های شرکت کننده نیز آمادگی خوبی را از پیشنهاد دولت افغانستان اعلام نموده اند. گرچه در این اواخر انتقادهایی از سوی جامعه جهانی مبنی بر وجود فساد اداری و عدم حاکمیت قانون در افغانستان علیه حکومت و جود داشته است و به همین خاطر هم حکومت اعتماد خود را تا حدی نزد جامعه جهانی از دست داده است. ولی به هر صورت تشکیل این کنفرانس و انجام آن طبق خواست دولت افغانستان از کار نامه های موفق دولت افغانستان به شمار می رود.

مردم افغانستان از دوستان بین المللی و حکومت خوبی امید دارند تا این کنفرانس نتایج مثبت را در مقابل داشته باشد، زیرا از دید مردم این کنفرانس با کنفرانس های قبلی فرق دارد چرا که این کنفرانس توان با تعهد جدی ریس جمهور کرزی آغاز شد در واقع آخرین تعهدی که مردم به آن امیدواراند تا رئیس جمهور کرزی در یک همکاری قوی بین المللی و تعهد کاملاً شفاف و صادقانه افغانستان را به سوی ترقی و پیشرفت سوق خواهد داد. گرچه فرصت های طلایی از دست رفته اما باز هم فرصت داریم که کشور خوبی از حالت انارشیزم نجات بدهیم بنابراین مردم از دولت توقع دارند تا جامعه جهانی را متین سازد آنچه که توافق می شود به آن صادق باشند. بدین معنا که کمک ها چگونه باید به مصرف بررس تاحیف و میل نشود، از طریق حکومت افغانستان و یا از طریق انجو ها و سازمان های غیر دولتی و این یک مشکل اساس است که باید در کنفرانس کابل بیشتر در این مورد تأکید



حساب راحت زندگی

در این حساب، مشتری می تواند با حداقل ۵۰۰۰ افغانی یا یکصد دالر امریکایی حساب افتتاح نموده و ماهانه مبلغ ثابتی را برای مدت پنجاه ماه، یکصد ماه و یا یکصد و پنجاه ماه به حساب خود اضافه نماید. به این سپرده ها مطابق شرایط، سالانه از 6% الی 8% مفاد ثابت تعلق می گیرد. بعد از ختم مدت زمان انتخابی (پنجاه، یکصد و یا یکصد و پنجاه ماه) دارنده حساب راحت زندگی، برای قرارداد پنجاه ماهه، هر ماه نیم مبلغ پرداختی ماهانه؛ برای قرارداد یکصد ماهه، هر ماه معادل مبلغ پرداختی ماهانه و برای قرارداد یکصد و پنجاه ماهه، هر ماه دو برابر مبلغ پرداختی ماهانه، تا آخر عمر مفاد دریافت می نماید. مشتری همچنین می تواند مبلغ مشخصی را یکجا در اول قرارداد به حساب خود جمع نموده و متناسب با مبلغ پرداختی و مطابق شرایط از ختم ماه اول تا آخر عمر هر ماه مفاد تعیین شده را دریافت نماید.



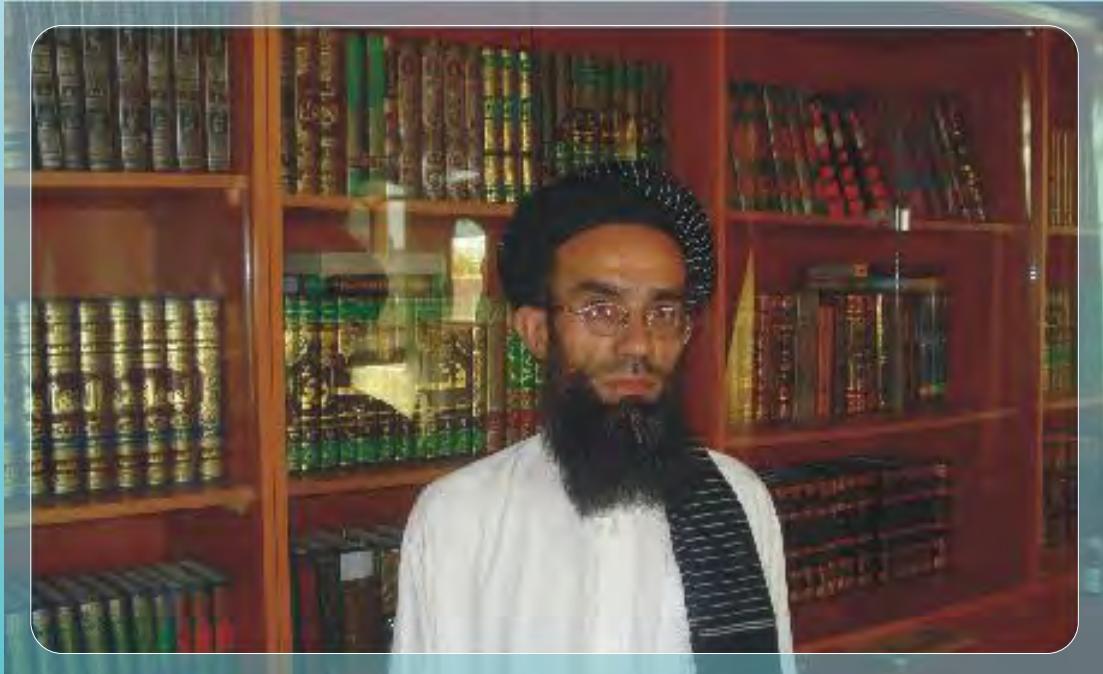
راحت زندگی آینده شما و فرزندان تان را تصمیم می کند



گفتگویی با نخبگان دانش

آقای

ماهنشا^نة غضنفر^بانک در نظر دارد به منظور روشن شدن هرچه بہتر و بیشتر ابعاد بانکداری اسلامی و تحقق این فریضه ایمانی در کشور، مسایل، قوانین و شیوه عملکرد بانکداری اسلامی را با علماء، دانشمندان و کارشناسان اقتصاد اسلامی مورد بحث و بررسی قرار دهد. بر این اساس گفتگویی داریم با محترم مولوی فیض محمد "فایز" رئیس شورای علماء ولایت کندز، استاد مدرسه عالی دینی تخارستان و خطیب مسجد جامع عرضیگی، که توجه خوانندگان محترم را به آن جلب می کنیم.



که امروز بانک در جهان معاصر یکی از نیازمندیهای اساسی در اقتصاد و امور مالی جوامع اسلامی و انسانی به شمار می آید.

پرسش: مضاربت چیست و چه شرایطی دارد؟

پاسخ: مضاربت که ازان در حدیث شریف نیز یاد شده یک قراردادیست بین دو نفر یک طرف مالک سرمایه و دیگری عامل (کارگر) است به خاطر حصول مفاد مشترک طبق شرایط توافق شده بین صاحب پول و عامل. در جواز مضاربت همه ائمه مذاهب اسلامی نظر به دلایل از کتاب سنت، اجماع و قیاس اتفاق نظر دارند نه تنها در این اختلاف وجود ندارد بلکه پیامبر اکرم (ص) مضاربت را مایه برکت ورشد و توسعه خوانده است. چنانچه در حدیث ۲۲۸۹ ابن ماجه آمده است " (ثالث فیهن البرکة ، البيع الى اجل، والمقارضة، وخلط البر بالشعير للبيت لا للبيع) در سه چیز برکت است

۱ بیع الى اجل یعنی نسیبه سوداکردن

۲ مقاربۃ یعنی مضاربت

- پرسش: بفرمایید اندکی پیرامون تاریخچه بانکداری در اسلام و روند تکامل آن در جهان به ویژه در کشورهای اسلامی معلومات ارایه فرمایید؟

پاسخ: بانک به عنوان یک مؤسسه تجارتی، سرمایه را از مردم جمع و به بازار گاتان صنعتگران و افراد نیاز مند قرض می دهد. اساساً یک نوع شرکت سهامی است گرچه بانک داری به سیستم مدرن امروزی یک پدیده نسبتاً جدید است اما اساس و اصل آن در زمانهای گذشته وجود داشت که مردم پول معدنی (طلاء و نقره) خود را زند صرافان امامت می گذاشتند و از صراف رسید می گرفتند و به مرور زمان و نظریه ازدیاد ضرورت ها و تبادلات به جای معامله به طلا و نقره با رسید معامله خرید و فروش را انجام می دادند و با گذشت زمان و تشدید معاملات با رسید های کاغذی به جای پرداخت طلا رسید می دادند و به این شکل بانک پدید آمد و به مرور زمان شکل عصری مدرن و منظم را به خود گرفت

- پرسش: همزمان با ایجاد بانکهای خصوصی در کشور غضنفر با نک در راستای ایجاد بانکداری اسلامی پیشقدم شد به نظر شما این اقدام غضنفر بانک چه نقشی در رشد اقتصاد کشور دارد؟

پاسخ: از نظر من واکثریت مردم افغانستان هر نوع فعالیت وکاری که در راستای خدمت به مردم در چوکات ارزش‌های اسلامی صورت می‌گیرد قابل تقدیر و تحسین است از آن جمله می‌شود اقدام غضنفر بانک را در باره بانک داری اسلامی یک اقدام بسیار شجاعانه متین و محکم نامید.

- پرسش: چه پیشنهاداتی در رابطه با بهبود عملکرد بانکداری اسلامی برای مسئولین غضنفر بانک دارید؟

پاسخ: پیشنهاد من در رابطه بهبود عملکرد بانک داری اسلامی اینست که در بانک داری اسلامی از شفافیت هر چه بیشتر کار گرفته شود تامردم باور مند شوند که از بول شان بهره نامشروع گرفته نمی‌شود و سیستم بانک داری کاملاً متوازن است با تعالیم اسلامی.

- پرسش: چه پیامی برای مردم افغانستان دارید؟

پاسخ: پیام من برای مردم عزیز و مسلمان کشورم این اثر صحیح است که امام بخاری در "ادب المفرد" روایت کرده است. ترجمه: شما در پیدا کردن و تحفظ مال کوشش نمائید زیرا مال وسیله عزت و شرافت برای انسانهای خوب و خدمتمند و وسیله بی نیازی و استغناه است از انسانهای نادان و بی خرد، و برای یک مسلمان از اهمیت فوق العادة بر خوردار است زیرا اعمال خیریه از قبل صدقات حاریه، اعمار مساجد و مدارس، کمک برای فقراء و مساکین و دیگر مالیات اسلامی به خاطر رشد و توسعه اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی سیاسی و نظامی بدون یک اقتصاد شکوفا و نیرومند ممکن نیست بناءً توصیه من برای هر هموطن اینست که در رشد و توسعه اقتصادی از طریق بانک داری اسلامی تجارت و مضاربیت کار و زحمت مصدر خدمت به هموطنان خود قرار گیرند رفاه و آسایش را برای خود و دیگران به ارمغان بیاورند تا بدین وسیله از نعمات اللهی در راه پیشرفت دین و دنیا شان استفاده خوب نمایند.

۳ خلط کردن گندم به جو در خانه نه در فروختن واژاینکه بحث در باره مضارب است نمی‌خواهم روی دو موضوع دیگر صحبت داشته باشم اما مضارب یقیناً یکی از وسائل در حرکت آمدن سرمایه‌ها و کاریابی برای بیکاران و انتفاع انسانها است از یک دیگر که این خود بالاشک برکت، خیر و سعادت برای انسانها است.

شرائط صحت مضاربیه قرار ذیل است:

- شروط بین عاقدین
- شروط رأس المال
- شروط در مفاد

شروط میان عاقدین: وجود اهلیت توکیل و وکالت در رب المال و مضارب است به این معنی که هر واحد صلاحیت وکیل ساختن و وکیل شدن را داشته باشد مضارب در رأس المال به حکم و امر رب المال تصرف می‌نماید. این خود به معنای توکیل و وکالت است. در مضارب مسلمان بودن عاقدین شرط نیست، امکان دارد بین یک مسلمان و غیر مسلمان نیز مضارب صورت گیرد.

شروط رأس المال: وجود پول مروجہ یک موقعیت جغرافیایی است، نزد اکثریت علماء مضارب در پول غیر مروجہ درست نیست.

شرط دوم: مبلغ رأس المال باید معین و مشخص باشد.

شرط سوم: رأس المال باید حاضر و برای سرمایه گذاری باید مجهز باشد.

شرط چهارم: تسلیم نمودن سرمایه از سوی رأس المال به مضارب می‌باشد.

شرایط اساسی مفاد: تناسب توزیع مقدار مفاد باید بین طرفین معین باشد.

- پرسش: پیامد بانکداری اسلامی را در افغانستان چگونه ارزیابی می‌کنید؟

پاسخ: بانک داری اسلامی در افغانستان از ضروریات مبرم جامعه اسلامی است از آنجائی که افغانستان یک کشور اسلامی است وجود بانک که با معیارهای اسلامی برابر باشد در جلب و جذب سرمایه‌های راکد که تا هنوز مورد استفاده قرار نگرفته به دلیل نبود بانک مورد اطمینان در رشد و توسعه اقتصادی از اهمیت زیادی برخوردار است.



نړیوال کیدل او په اقتصاد باندی د هغه اغیزی

خیرنواں عبدالحکیم رامیار

ټپلی موجود په بهه و کتل شي هغه **globalization** یا نړیوال کیدل ترجمه کیږي.

د ژوند پېښلایلو اړخونو باندې د نړیوال کیدلو د اغیزو په نظر کې نیولو سره ډیر او په بیلایلو بنو تعریفونه وړاندی شوی دی. نړیوال کیدل دیوی نړۍ هر کلې ته ورتلل، د نورو د فرنګوسره آشنا کیدل او د نورو رایو او نظریوته احترام کول او همداراز د نړۍ په کچه داریکو، تراو ونو او تړلیاوو پراخیدل او ژوریدل د نړیوال کیدلو تعریفونه بلل شوی دی. په داسی حال چې نړیوال کول یا نړیوال جوړول د نورو د نفی په معنا او د نورو په فرنګ کې لاسوهنه او دایدلوازیګانو د ټکر په معنا تعییرشوی دی. بازی اکسفورد، د اکسفورد پوهنتون استاد نړیوال کیدل هغه بهیر بولی چې نړۍ کوچنی کوي او دیوی نړیوالې فضا بنه نیولو ته زمینې برابروی تردې حده پوری چې اوس د پخوا پرخلاف ټپلی او د نه نفوذ و پرسحدونه نور واقعی په نلري، یاني د یوه هیواد په داخلې چاروکې د نورو د لاسوهنه خڅه د مخنيوی خواک په بېړی د کمزوری کیدو په حال کې دی. که شل دیرش کاله مخکې اړیکې د تیلفون او تلگراف له لاری ممکن کیدې او کنترول یې هم آسانه و، نن هغه وخت تیر شوي دي او هیڅ خواک قادرنه دی خپل

نړیوال کیدل د هیوادونو د اقتصادونو د مخ پر زیاتیدونکو یوځای کیدلو او ادغامونو لړی ده. په اوستی بهه د شلمې پیړی په وروستيو، (د ۱۹۹۰ کال راپدیخوا) نړیوال کیدل دیوې نامتو او پیښندې شوې کلمې په توګه په سیاسی اقتصادي او فرهنګي حوزو کې مطرح شوه او په ترڅ کې پې پرتوولو سیاسی، اقتصادي، فرهنګي او تولنیزو چارو ژوري اغیزې وکړي. دې پدیدې د هیوادونو اقتصاد داسې سره ونیسلواه او د یووالې خواته یې یووړ چې، په اقتصادي، فرهنګي او تولنیزو چارو پې ژوري اغیزې وکړي. چې په ترڅ کې پې د چاپېر یال د هری منفي او مشتې پدیدې اغیزې په چېړې چټکې سره نور و اقتصادونو ته خورې شوې.

په عام مفهوم نړیوال کیدل هغه پدیده ده چې په هغه کې ژوند کول په یوه ملي او محدوده سیمه کې نه بلکې، باید په یوه پراخ او نړیوال واقعیت کې تصور او انخور شي.

په ټولیزه بهه د نړیوال کیدلو **globalization** ریشه او اساس د globe له لغاته، چې په لرغونې یونان کې هغې خیز ته ویل کیده چې په ټولې دنیا او نړۍ پې اغیزې شندلې، اخیستل شوی دی او یونانی وکړو globe د نړۍ د ټولې سطحې په مفهوم کاراوه. نو په دی توګه کله چې ټول جهان ته دیوی واحدی پدیدی او د یوه





پوهان د امنیت د مفهوم په اړوند سره یو خوله نه دی. خو آرنولد و لفرز وايي: تريوه حده دشتو ارزښتونو ساتلوله امنیت ويل کېږي. نو د یو کل په توګه دیوه ھیواد لخوا د خپلو اساسی موخو د تعقیب په خاطر د خپلواکۍ احساس او د سیاسي - اقتصادي بنسټیزو ھیاتی گټو په باب د بهر خڅه د خطر، ډار او ګواښ نه احساسولو ته امنیت ويل کېږي.

پخوا د ملي امنیت مفهوم چې د فیو dalle نظام د ینګیدو او د پانګوالی مناسباتو په رامنځته کیدو، او وروسته د ملي دولتونو په جوړیدو سره راپداشوی دی (ملي گټو) بنکارندوي او بیانونکی و. اما د نړیوال کیدلو بهير د صنعت، سوداګرۍ، تکنالوژي او خدمتونو لورې داسې بدل کړي دي چې ملي اړخونه یې خوراکمزوری شوی دی او تر چېره ټولو اقتصادي او ټولنیزو چارو نړیوال خاصیت خپل کړي دی. نو د همدي بدللونونو او ضرورتونو له کبله ده چې هیوادونه هڅې کوي د خپلومخو او گټو پربنا نوي سیاسي - اقتصادي اميکي برقراري کړي، نوي اقتصادي، نظامي او د فاعي دوستان او متهدین پيداکړي او بلاکونو او تپنونو ته لاره ومومي. له دی کبله چې نړیوال کیدلو بهير پراقتصادونوباندی دوه اړخیزه، منفي او مشتي اغیزی کوي یا په پله ژبه هم فرستونه، امکانات او هم ننګونې لري نو بشایي چې هیوادونه په تیره بیا هغه هیوادونه چې کمزوري اقتصادونه لري او د بازار په اقتصادي سیاليو کې د غول پیکره کمپنيو سره مخامنځ دی د خپلو فرستونو او امکاناتو د بدایولو او ټینګښت لپاره د ژور سوچ او عمل نه کار واخلي، مناسي پاليسۍ او ستراټېزی گانۍ طرحه او په دې بهير کې خه ناخه خپل فعال رول ولوبوی.

جوته ده چې دن ورځی د دېجیتالی، اړیکو او اطلاعاتو
د انقلاب لاسته راوینو ټول اقتصادي، سیاسي ټولنیزو او فرهنګي بهيرونو ته داسې بهه ورکړي ده چې خوک نه شي کولای د هغې نه خنګ ته پاتي شي، سرحدونه وټري او د مقرراتو او خنډونو په رامنځته کولو دهغه دلېرد رالېرد او د نشریدومخه ونيسي. دن ورځی دتixinکي امکاناتو په شتون سره د نړیوال کیدلو د بهيرونو د اړیکو او اغیزونه خان ساتل، هغه ڪټرولول او مخنيوی یې کول په تیره بیا د وروسته پاتي هیوادونو لپاره خه ناخه ناشونی عمل دي. په دې ترڅ کې هغه هیوادونه ډېر زیامن کېږي چې اقتصاد پې کمه وده کړي وی او بازارونه یې د بهرنيو هیوادونو د توکید ډچاولاندی وي لکه زموږ هیواد.

هیوادنه د اطلاعاتو د یېخې ننټو او اړیکونیولو مخه ونيسي. دن ورڅ رسنیو او لړې واقن اړیکو قول هیوادونه په یوه نړیواله تړلې تولنه بدله کړي دي. که وغواړو اویا ونه غواړو ددې په رامنځته کیدو سره په یوه وخت کې قول بې نیازه او اړ، شمال او سویل، ختیخ او لویدیخ، بناړاوکلې په یوه نړیواله ګډه الکترونیکي شبکه کې سره نښتی یو. فکرونې دیوځای نه بل خای ته داسې تیریو چې ګویا هیڅ سرحد په نړۍ کې شتون نه لري. داوس مهال علمي-الکترونیکي برياوو په نړیوال اقتصاد کې خورا زیات بدللونونه منځته راپوري دي. د نړیوال بازار منځته راتلل او دهغې عملی پراختیا او په کې نړیوالو ته د ګډون امکانات، دملی بازارونو په اړوند زړۍ نظرې او فکرونې بې رنګه کړي دي.

د اړیکو او د هغه د ډېر ژرممکن کیدو، د معلوماتو، پانګو او انساني خواک د لېردرالېرد دېنډواړیطاو له کبله اقتصادي تصدی په تیره بیا خوملتیزه کمپنۍ په دې لته کې شوي دی ترڅو د ډېر و ګټو، د تولید په اړوند ګلیدي زیرمو او ارزانه یې عواملو د هغې جملې نه د انساني خواک په خاطر خپلې هڅي نورو هیوادونو ته پراخه کړي. په دې ترڅ کې د پیسو د لېردرالېرد په مخکې دېر تو خپلېونو له منځته تلل نړیوال کیدلو ته نورهم خواک ور کړي دي. نن ورڅ ترډیره سوداګرۍ مالیه، تولید، خدمتونه او پانګونې... د نړیوال کیدلو د نورمونو او مقرراتو په چوکات کې ترسره کېږي. په دې توګه دن ورځی اقتصاد دیو واحد نړیوال اقتصاد په لورې چې او دملی او جلا اقتصادونو د جوړیدو او شتون ورياتونه کمزوري کوي. دې بهير ملي پاليسۍ جوړونکی دی ته اړايستلى دی ترڅو خنې اختيارونه له لاسه ورکړي او ان تردي حده چې په خینو شرایطو اوحالاتو کې د ملي بازار پانګۍ او توکې او د تولیدي سیستم تنظیم د ملي دولت او ملت له واکه ووزي او ډېر وختونه په لرغونې مفهوم ملي حاکمیت او ملي خپلواکۍ د سوال سره مخامنځ کړي. په بل عبارت د نړیوال کیدلو بهير ډېر وروسته پاتي هیوادونو امنیت په تیره بیا اقتصادي امنیت ته ګواښ پیښ کړي دي.

دېلایيلو هیوادونو ددې خو وروستيو کلونو تجربې په ډاګه کوي چې دې هیوادونو ته ورپیښ او د پام وړ ګواښ چې په تیره بیا د وروسته پاتي او کمزور و اقتصادونو هیوادونه ورسره مخامنځ دي د هغوي ملي امنیت ګواښو.



ښیرازی او پرمختګ په لاره کې په رشتبینولی سره په هڅو بوخت دی ددی امکان ورته میسر شوی دی چې په پرمختللي تکنالوژي او علمي تخنیکي لاسته راوړنو خپل علمي - خپرنيز مرکزونه سمال کړي. د پرمختللي پوهی دلاسته راوړلو په موخه دنګره او پیاوړیونړیوال متخصصیونو خخه ګټه پورته کړي. وګړي ېې انترنټ او نورالکترونیکي وسایلوا خخه په کار اخیستنی سره نوی او پرمختللي پوهې په ترلاسه کړي.

دا درسته د چې مورډ په نوم ((پرمختایي ملي ستراتیزی)) لروخو تړډیره هغه یواخۍ او یواخۍ د کاغذ پرمخ ده اویس، نه ېې د تمویل منابع مالومی دی او نه هم د هغه لپاره عملی پالیسي او پروګرامونه جور شوی دی. له همدی کبله ده چې پارلمان د دولت د تگ لاری د وړاندی کولو په اړوند د حکومت سره جنجال لري. او د همدی تشي په وجه مافیایي کړي په تیره بیانویالی اقتصادي کړي زمور د کمزوری اقتصاد خخه په ګټه پورته کولو خپلو نارواعملونو ته ادامه ورکوي او په اقتصادي چاونو کې ېې زمور کمزوری او تکی اقتصاد تر اغیزی او فشارلاندی نیولی دی.

تجربه دا سبی چې که موږ په خپلو اقتصادي کړو وړو د سره او ژوره پاملنې ونکړو او لا هم د نورو په تمه لاس تر زنې کښیو د امکان نه لري نه د چې د اوښیو ستونزو او پرالملونو په تمه به شو، خکه (پردی کټه تر نیمو شپو وي).

زمونو هیواد نه یوازی د سولی له پلوه امن نه دی بلکې د اقتصادی امنیت له پلوه هم خورا زیاتی ستونزی لري. داچې تړډیره مور او زمور چارواکی د هیواد بدېختیو ټولی پپو په جنګ اچولي دومره موچه خبره نده، خکه اقتصادی او ټولنیزو چارو ته کمه پاملنې پخله هغه عامل دی چې جنګ، بې امنیتی او بې ثباتی پراخوی. زمور په هیواد کې په تیره بیا په دی پنځلس شلوکلو کې د ډیرو نورو عرصو په خنګ کې دوګړو کار او شغل ته ډیر کمه او یا هیڅ پاملنې نه ده شوی. چې دا کار په خواشینی سره د ډیرو ستونزو او بد بختیو باعث ګرزيدلې دی.

دا باید هیره نکړو هغه حالت او وضعه چې د نړیوال کیدلو له امله منځته راغې دی ډیرو ختونه یوازی یو اقتصادی جنبش ګنډ کېږي، خویه واقعیت کې داسې نده، بلکې د ژوند د ډیرو پدیدو او واقعیتونو سره ټپاو لري. نړیوال کیدل یوازی مادی ارڅ نه بلکې د انسانی ژوند په معنوی برخو ېې هم ډئر زیاتې اغیزې کړي دی. د فرهنګونو د نړدې کیدو او په کمزورو او وروسته پاتې فرهنګونو د پرمختللو او څواکمنو فرهنګونو سیادات او تاثیرات له ورایه مالوم او له امله ېې مخالفتونه او غږګونونه پارولی دی. د یېلګې په توګه د نړیوال کیدلو مخالفین د ((مغزونو تښیل)) او د تړډیره په اوس وخت کې د وروسته پاتې هیوادونو خخه پرمختللو هیوادونو ته د پهانو او متخصصیونو د تگ د لپری زیاتیدل او په ډېر وختونو کې د پرمختللو هیوادونو لخوا هغوي ته سې زمینې او امکانات برابرول، ان نورکسان دی کارته هڅول، د استعماري او استشماري موخو لوړ ګټنې. د تجارت نړیوال سازمان د پریکړو له امله په هیوادونو کې د پوهنې او روزنې تجارتي کیدل چې د دولت د نه ونډي او یاکمي ونډي اخیستوله طریقه ترسره کېږي. په وروسته پاتې هیوادونو کې زده کړي او زده کوونکي د ملي ګټو او خپلو خلکو ته د خدمت کولو له موخونه منحرف کوي. او په هغوي کې یواخۍ او یواخۍ د شخصي ګټو او په تجارتي موخو د هغوي د پوهی او تجربو د کارولو ذهنیتونه ایجادوی. او په دی توګه وروسته پاتې هیوادونه د یېلګې په توګه افغانستان غونډی هیواد به هیڅ کله هم ونټوانيږي تر خو ((ملي انسانی پانګکی)) منځته راوړي، ېې روزی او ېې ساتې د پورتنيو ټکو په خنګ کې باید د فرهنګ، علم او تکنالوژي په برخه کې د نړیوال کیدو د ښکنې خخه هم ستر کې په نکړو. اوس هغه هیوادونو چې خلک او دولتونه ېې د خپل هیواد د

وی. لکه چي فرمایي: ژباره (الم) (۱) هغه کتاب چي په هغه هیخ شک او شبهه نشته، لارښونه ده د متقiano لپاره (۲) هغه کسان چي په غیب ښه لیدل شویو څیزونو. ايمان راوري او لمونځ قائموي او له هغه څه چي مونږ ورته روزي کري د الله تعالى په لاره کي نفقه کوي (۳) او هغه کسان چي ايمان راوري په هغه څه باندي چي پردا نازل شوي او په هغه څه چي له تاخه مخکي نازل شوي دي او دوي په آخرت (قيامت) په ورڅ یقين لري (۴) په تحقیق سره دوى دخپل پروردگار له لوری په سمه لاره دي او همدوی بريالي دي (۵).

ګرانه لوستونکيye ! وګوره چي الله تعالى دمالی چارو ګودرونه او لاري خرنګه د الهي ويرې سره ترلي دي، دا یي هم په ډاکه کړپده چي هر هغه څه چي انسان یي دخپل کار او زيار په درشل کي لاس ته راوري په هغې ټولو مالونو او شتمنيو کي د ټولني د بیوزله او اړو کسان برخه شته د چي هر ورمو یادو شویو کسانو ته وسپارل شي. هغوشتمنيو او دارييو ته چي الله تعالى د سورت بقری په دريم آيت کي روزي ويلی ده، داقتاصاد په علم کي په دوو برخو ويشن کيري.

۱- لګښت

۲- ذخیره کول

هغه څه ته چي مونږ په اسلامی تعليماتو کي اقتاصادي نظام وايو، دا هغه اقتاصادي سلوک، کړني او راکري ورکري دي چي یو مسلمان وکړي یې هرومرو په څلوا ملي معاملاتو کي په پوره پاملنۍ، او خيرتيا سره په پام کي نيسی.

دادي دخپلی خيرني په ترڅ کي دي ته خيرکريو چي الله تعالى په قرآنکريم کي اقتاصادي سلوک او اخلاقو ته نور په کومه کچه او شکل کتلی دي.

الف : اقتاصادي معاملې د سزا او ثواب پر بنست :

الله تعالى په قرآنکريم کي اقتاصادي راکړو ورکړو ته یو ځانګړي ارزښت ورکړي دي. ددي لپاره چي داقتاصادي راکړو ورکړو ارزښت او ده ګو خای ځایګي په قرآنکريم کي را ته جوت شي، باید دي ته خير شو چي الله تعالى کله د څلوا نیکو او تقوا کوونکو بنده ګانو صفتونو او کړنو ته اشاره کوي نو په هغو کي انساني اقتاصادي اساساتو ته مخه کوي ، که څه هم نوموري صفتونه دمتقiano په ځانګړي انسانی ژوند پوری اړه لري خوله هغې سره سره بیا هم د ټولني په یومخیزه ژوندانه پوری ترلي وی. د سورت بقری په لومړي سر کي الله تعالى فرمایلی دي چي اقتاصادي او ملي پرخای منډي ترري په ټولنه کي دانسان دلازیات پرمختک لپاره په دنیوی او اخروی پراوونو کي لاره هواره





گانو تولگي په نومونو سره په گونه کري دي. ترڅو دالله جل جلاله له خوبني او رضا پرته په بله موخه ونه کارول شي او د الله تعالى د لارښوونې اصلی ماهیت اوالهی اقتصادي سلوک او اخلاق پکي له منه یونورل شي، دغه مال او شتمني یوازي هغو کسانو ته وسپارل شي چي دا قتصادي ناتوانی له امله هغوي ونسی کولای دخپل عادی انساني ژوندانه لومنې اړتیاوی پوره کري.

په دي قرآنی سلوکو کي د هري اړتیا لپاره دری شرطونه لازمي دي:

۱- د اړتیا پېژندنه

۲- د اړتیا د ليري کولو څرنګوالی

۳- د اړتیا د پوره کولو اراده او واک

که څه هم بنايې چي یتیمان، مسکینان، مسافر او مریان - چي د خپل خلاصون لپاره مال او شتمنيو ته اړتیا لري- دخپلو انسانی لومنې اړتیاوو په اړه پوره معلومات او دهغی دليري کولو اراده او فکر هم ولري خو له دوي سره د مالی اړتیاوو د پوره کولو اراده او واک نه وي، همدا لامل دی چي الله پاک په خپل بي بيلګي کتاب قرآن کريم کي د اسلامي اقتصادي سلوکو په درشل کي خپل هغو بنده گانو ته چي اقتصادي توان ولري ، داسي لارښوونه کوي چي له خپلو نورو ورونو او خويندو سره هم مرسته وکري او دهغوي لاس نيوی وکري ترڅو هغوي هم د ستاسي په شان د خپلو انسانی اقتصادي لومنې اړتیاوو د پوره کولو ریښتني اراده او واک پیدا کري.

الله جل جلاله د الذاريات د سورت له ۱۵ آيت خخه تر ۱۹ آيت پوري فرمایلی دي: ژباره : په تحقیق سره متقيان په باعونو اوله چینو سره دي (۱۵) دوي اخستونکي دي د هغه څه چي خپل پروردگار ورته ورکري دي، په تحقیق سره دوي له دي مخکي نیکي کونکي وو (۱۶) دوي به دشپي له لوري دير کم بيده کيدل (۱۷) دوي به په سحرنو کي ببني غوبنتلي (۱۸) ددوی په شتمنيو کي به د درویزه کونکي او بینوا کس لپاره یوه ځانګري او جلا برخه او حق ووه (۱۹).

پدي مبارک آيت کي الله جل جلاله نه یوازي دا چي دپورتنیو دوو بيلګو په خلاف دخپلوبنده گانو خخه دا غوبننته کوي چي خپل شتمني دالله تعالى په لارښوونه د هغه د ناداره بنده گانو لپاره ولګوی، بلکي هغوي ته داجر او معنو بدله سره د جنت او مادي بدله ژمنه هم ورکوي.

دلومرۍ کلمي معنى داده چي د انساني غوبننته او اړتیاوو په پوره کولو او سرته رسولو کي ترينه کار واخیستن شي.

د دو همي جملې معنى بیا داده چي يادي شوي شتمني او داري د راتلونکي زمانی د اړتیاوو او لګښتونو دپوره کولو لپاره وسپمول شي، همدا برخه الله تعالى ددي لپاره په ګونه کړپده چي دثواب او اخروي اجر لپاره پکي بوه ځانګري برخه وي ترڅو د اړو او بیوزله انسانو اړتیاوی دالله جل جلاله د رضا او په اخروي ژوندانه کي د بدله په هود پوره کړاي شي.

همدا شان الله تعالى د سورت بقری په ۱۷۷ آيت کي فرمایلی دي: ژباره (دا نیک او پوره عمل نه دی چي تاسي خپل مخونه ختیاخ او یا لوبيخ لوری ته واروی، بلکي نیک عمل دادي چي چا په الله تعالى، دآخرت په ورخ او په پريښتو او کتاب او نبیانو باندي ايمان راواړ او په خپله خوبنې سره یې شتمني او داري خپلو خپلوانو، یتیمانو، مسکینانو، مسافرو، درویزگرو، مریانو- چي د خلاصون لپاره شتمني ته اړه وی- ، لمونځ اداء کري او زکات ورکري ، کله چي ژمنه وکري په ژمنو وفا کونکي وي ، په ځانی ، مالي او دسختيو په وخت زغم لرونکي او صبرکونکي وي، په تحقیق سره داکسان ریښتني دي او همدا کسان متقيان دي). (۱۷۷) سوره البقره

که چېري ده ملي پوه آيت ژوري اقتصادي ماهیت ته مخه کړو نو دا لاندې تکي به جوته شي:

الله تعالى ده ملي آيت د پيل په جملو کي مال او شتمني دانسان له ميني او محبت سره ترلى دي، چي پدي سره الله جل جلاله خپلوبنده گانو ته دا جوتول غواړي چي انسانان له خپل شتمني او مالونو سره بي کچي مينه لري. په ریښتیا هم دا هغه انسانی طبیعت دی چي هیڅ روغ انسانی عقل او تفکر به ترينه دانکار مخ وانه روی. انسان تل د ژوندانه په تاریخي اوږدو کي ددي هڅه کړپده چي تل زیات څه را تول کري او ترزیاتي کچي خان په دنیوي شتمنيو شتمن کري. له دې وروسته بیا الله تعالى د شتمنيو د راتلونو نیکوالی او پرڅایوالی پدې پوري ترلى دي چي دالله جل جلاله د خوبنې په موخه دهغه د بیوزله او ناداره بنده گانو برخه پکي تل په پام کي ونیول شي، د خير دکارونو لپاره ترينه کار واخیستن شي. الله جل جلاله دغه تکي له بوي مخي پرائیستی هم ندي پري اینې، یانې چي په کوم ډول چي د انسان خوبنې شوه هغسي یې دې ولګوی، بلکي دهغی لپاره یې تولي لاري، چارۍ او آن په انسانی ټولنه کي بې دبنده

سره لگیا وو (۴۵) مونږ په د آخرت ورخ درواغ بلله (۴۶).
المدثر

دالماعون په سورت کي الله جل جلاله فرمایلی دي: ژباره : آيا تا هغه خوک ليدلى دى چي دقیمات ورخی ته درواغ وايي؟ (۱) هغه خوک چي یتیم دهنه له حق خخه لیری کوي (۲) مسکین ته په ټوډی ورکولو (خان) او خوک نه هخوي (۳) هلاکت دى هغنو لمونځ ګذارانو ته (۴) چي هغوي د خپلو لمونځونو په اړه بي پروا دي (۵) هغه کسان چي ریا کوي (۶) له خلکو ته دير عادي څیزونه له ورکړي منع کوي (۷). الماعون

مسلمانه وروره ! بنه حیر شه چي یوازي دالله تعالى په لاره کي مسکینانو او بیوزلو کسانو ته د خپلی شتمني نه ورکړه، تا سمدلاسه دقیمات د ورخی په نه منونکو، دوزخ ته دتلونکو او دالله تعالى په دېمنانو کي دروی . له دی امله همدا اوس له خانه سره کلک هود وکړه چي دالله جل جلاله له درکړي شتمني خخه یو خه دالله تعالى په لاره کي ورکړي، ترڅو په دغه شان عمل سره دپورتنيو یادو شوو دلو په قطار کي ونه شمبړل شي.

بله داچي دالله تعالى په سورت بقره کي ددي وينا مصدق نشي چي فرمایي : ژباره: کله چي دی په ځمکه کي ګرځي، هڅه کوي چي په هغې کي فساد او ورانکاري وکړي او کښت، انساني نسل پکي له منځه یوسې، الله تعالى فساد (ورانکاري) نه خوبنوي (۲۰۵) سورت البقره.



داسي جوتیری چي الله تعالى پورتني دوه بيلکي دخپلو خورا لوړو پر هيٺګاره بنده ګانو لپاره په ګونه کړي وي خو دا دريمه بيلکه يې د خپلو هغنو بنده ګانو لپاره کارولي وي چي هغوي له معنوی بدل سره یوځای دمادی بدل غوبښته او طمعه هم لري.

څلورمه بيلکه د اقتصادي سلوکو ده ګونورو اخلاقو معیارونو ترڅنګ د قرآنکریم د الفرقان د سورت له ۶۳ آيت خخه تر ۶۷ آيت پوری الله تعالى خپلو بنده ګانو ته د لوست په بنوونیز دول یادوی: ژباره: دالله تعالى بنده ګان هغه کسان دی په ځمکه په نرمی سره ګرځي اوکله چي ناپوهان (جاھلان) ورسره خبری کوي هغوي ورته د خلاصون سلام کوي (۶۳) او هغه کسان دی چي خپل پروردګار ته شپي په سجده او ولاړه تیروی (۶۴) او هغه کسان دی چي وايی : اى پروردګاره ! زمونږ خخه د جهنم اور لیري کره په تحقیق سره د هغې عذاب سخت او دوامداره دی (۶۵) په تحقیق سره دا دير بد داوسيدو خای دی (۶۶) او هغه کسان دی چي کله هغوي مصرف کوي نو اسراف نه کوي او نه هم - دېخیلانو په شان - سختی کوي ، تل منځلاري وي (۶۷).
(سوره الفرقان)

مسلمانه وروره ! وګوره چي وروستي آيت دالله تعالى په وينا کي څرنګه په دير بشکلی دول دا بیانوی او څرګندوي کوي چي په اقتصادي چارو کي باید یو مسلمان په کوم دول دخپل ژوندانه په بهير کي وراندي لار شي. خدای جل جلاله کومه کچه او اندازه د ورکړي او یا منعي لپاره نه وی تاکلی بلکي هر انسان یی له اسراف کولو او بخل خخه په دير لور حکیمانه دول را منعه کړي دی. داهجه په اقتصادي پوهه ولارتدبیر او اقتصادي اصل بلل کېږي چي تل انسان له خپل اړتیا نه زیات لګښت خخه منع کوي او ورسره د بیوزلو اړتیاوی وریادوی او هم په غیر مستقیمه توګه بې دی ته هم پام راګرځوي چي خپل لګښت هرومرو دهمیشه لپاره په حکیمانه دول پرمخ بوخي.

دالله تعالى په لاره او دهه دسېپڅلی خوبنې په موخه د شتمنيو نه کارول، درواغ ويل، په ځمکه کي فساد او ورانی کول، د بدېختيو او له خدای جل جلاله خخه د سرغروونکو انسانا نو صفتونه ګنل شوی دی. الله تعالى د المدثر د سورت له ۴۲ آيت خخه بیا تر ۴۶ آيت پوری داسي فرمایلی دي: ژباره (خه شي تاسې دوزخ ته ننه ایستلی یاست؟ (۴۲) دوی به وايی مونږ هيٺکله لمونځ کوونکي نه وو (۴۳) او هيٺکله مسکینانو ته ټوډی ورکونکي نه وو (۴۴) مونږ به په بي خایه خبرو له بي خایه خبرو کوونکو

ویسترن یونین (Western Union)

امکانات انتقال پول به داخل و خارج از کشور از طریق ویسترن یونین برای مشتریان غضنفر بانک مهیا می باشد. بنا بر این در تمام نمایندگی های غضنفر بانک برای انجام این سهولت غرفه های ویژه اختصاص یافته و با انجام خدمات قناعت بخش و مطمئن در خدمت مشتریان خویش قرار دارد.



در غضنفر بانک

غضنفر بانک از طریق ویسترن یونین
در امر انتقال پول به شما اطمینان می دهد

مفهوم و اهمیت انفاق

حمید مصطفوی

بخشنامه مال به انسان‌های تنگ دست نه تنها کرداری پسندیده و نیکوست، بلکه در بینش اسلامی تکلیف و وظیفه مهم‌دینی نیز هست که اگر کسی به آن عمل نکند در روز واپسین مؤاخذه خواهد شد. واضح است که این تکلیف غیر از تکالیف مالی واجب اسلامی دیگر نظیر پرداختن خمس و زکات است که با شروط خاصی متوجه تمام افراد جامعه اسلامی می‌شود. از این روایت و روایت‌های نظیر آن معلوم می‌شود که یکی از علت‌های مهم پیدایش پدیده فقر خودداری ثروتمندان از عمل به وظیفه «انفاق» است. اگر افراد توانند، آن چنان که باید، به انسان‌های مستمند رسیدگی کنند فاصله طبقاتی بین اقسام جامعه از حالت طبیعی خارج نمی‌شود.

با توجه به تأثیر مهمی که انفاق در رشد و کمال معنوی و تکوین شخصیت اخلاقی و انسانی افراد دارد، در سخنران اولیای الهی گاهی از بذل و بخشش با تعابیر زیبایی یاد می‌شود که به اهمیت فوق العاده انفاق و جایگاه آن در بین سایر اعمال دلالت دارد. نعمت به آن بخش از موهاب‌الهی گفته می‌شود که علاوه بر کمک به برطرف کردن نیازهای مادی، در مسیر تحصیل کمالات انسانی و کسب فضایل اخلاقی – که اساس ارزش آدمی را تشکیل می‌دهند – مفید واقع شود. گاهی در پی عدم آشنایی به معارف اسلامی گمان می‌رود که انفاق موجب از بین رفتن مال انسان می‌گردد، بدون آن که اثری بر آن مترتب شود. قرآن کریم در این باره می‌گوید: «کسانی که در راه خدا اموال خود را خرج می‌کنند، خداوند عوض آن را چندین برابر به آنها برمی‌گرداند». اگر انسان به هنگام برخورداری از دارایی به کارهای خیر اقدام کند و آن را در راه رضای خدا خرج کند، خداوند متعال علاوه بر آن که عوض آن را در دنیا به او می‌دهد، در آخرت نیز

انفاق عبارت است از خرج کردن و بخشیدن مال در راه خدا برای کسانی که به آن نیاز دارند. انفاق در اسلام یکی از اصول مهم تربیتی و نیز سیاست‌های لازم و بسیار مفید اقتصادی است که علاوه بر کمک به رشد و تعالی معنوی انسان، نقش مهمی در جلوگیری از انشاست سرمایه و فقر زدایی دارد. به عبارت دیگر انفاق موجب پرشدن شکاف‌های اجتماعی ناشی از فقر می‌شود و به عنوان یک مکانیزم فعال تعديلی ثروت از تقسیم شدن افراد جامعه به دو قشر فقیر و سرمایه دار جلوگیری می‌کند. در رهنماههای قرآن و اولیای الهی به همان میزان که حریص بودن سرزنش شده، انفاق به دیگران و بخشندگی ستایش شده است. حتی در برخی از آیات بذل و بخشش در دیف ایمان به غیب و پاییندی به نماز، از جمله اوصاف پرهیزگاران دانسته شده است.

در فرهنگ اسلامی انفاق محدود به مال و ثروت نیست، بلکه شامل تمام نعمت‌هایی می‌شود که خداوند به انسان بخشیده است. خداوند متعال دستور داده است که: «ای مؤمنان، از آنچه روزی شما کرده ایم به دیگران انفاق کنید». بر این اساس انفاق شامل تمام موهاب مادی و معنوی می‌شود و افراد پرهیزگار و باتقوا نه تنها دیگران را در مال خود، بلکه در دانش و سایر تخصص‌هایی که دارند، شریک می‌کنند؛ حتی از بذل آبرو و موقعیت اجتماعی برای برآوردن نیازهای برادران دینی شان مضایقه نمی‌کنند؛ چون در جهان بینی انسان مؤمن همه این نعمت‌ها امانتی تلقی می‌گردد که از طرف خداوند در اختیار او قرار گرفته است تا از طریق استفاده درست از آنها خمن برآوردن نیازهای مادی، به کمالات معنوی نیز نایل آید؛ چرا که از جمله راه‌های تحصیل کمال معنوی، بذل و بخشش به انسان‌های نیازمند است.





که با انفاق مالی که اندوخته بودند، خود را به مراتب بالای کمال رسانده اند.

افراد با ایمان از نظر مراتب ایمان با یکدیگر فرق دارند. هر کس در انجام دادن کارهای نیک نسبت به سایر افراد پیشی بگیرد و در خیر رساندن به هم نوعان، و به ویژه به انسان‌های نیازمند، بیشتر تلاش کند و به برطرف ساختن مشکلات و گرفتاری‌های مردم بیش از دیگران اهتمام بورزد، در پیشگاه خداوند متعال از جایگاه والاتری برخوردار است؛ چون چنین انسانی به وسیله احسان و انفاق به دیگران پاداش بسیاری تحصیل می‌کند و بدون تردید هر اندازه عمل نیک انسان در دنیا افزون تر باشد در عالم آخرت مرتبه او بالاتر خواهد بود.

یکی از راه‌های مهم پیشرفت، رقابت سالم است. رقابت در کارهای خیر موجب رواج نیکی و گسترش ارزش‌های اصیل و فضیلت‌های انسانی می‌شود. با توجه به این قبیل آثار مثبت رقابت، در تعالیم اسلامی به موارد فراوانی برمی‌خوریم که اولیای الهی بر سبقت گرفتن در کارهای نیک تاکید دارند. از جمله اموری که رقابت در آن پسندیده است انفاق مال به نیازمندان است. برخلاف تصور عame مردم، و به ویژه کسانی که آشنایی کم تری نسبت به معارف اسلامی دارند، انفاق مال در راه انجام کارهای نیک نه تنها سبب از بین رفتن ثروت نمی‌شود، بلکه علاوه بر کسب فضیلت‌های معنوی و کمالات انسانی برای فرد انفاق کننده، در دنیا نیز سبب حفظ مال و حتی زیادی آن می‌شود.

در فرهنگ اسلامی با توجه به ارزش‌های الهی برای افراد سعادتمند و انسان‌های خوشبخت نشانه‌های ذکر شده است که از طریق شناسایی این قبیل اوصاف و پاییندی به آنها می‌توان زمینه آراستگی به فضیلت‌های اخلاقی و انسانی را فراهم ساخت و به سعادت واقعی که در گروه برخورداری از اوصاف شایسته است، دست یافت.

دوچندان به او پاداش می‌بخشد». پس نه تنها انفاق در راه خدا سبب از بین رفتن مال انسان نمی‌شود، بلکه خداوند وعده داده است که علاوه بر دنیا، در روز واپسین نیز این عملِ خیر انسان را با چندین برابر پاداش جبران کند.

در بینش اسلامی چون نتیجه اعمال آدمی، اعمَّ از کوچک و بزرگ، به خود او برمی‌گردد و در عالم هستی هیچ رفتاری بدون نتیجه نیست، لذا فرد برخوردار از توانایی مالی بیشتر از انسان نیازمند به انفاق احتیاج دارد؛ چون افراد به همان میزان که از نعمت‌های الهی برخوردارند، مسؤولیت بیشتری بر عهده دارند و نسبت به انجام دادن یا ندادن وظیفه ای که از حیث دسترسی به امکانات بیشتر متوجه آنهاست، مورد باخواست قرار خواهند گرفت. حضرت علی (ک) این حقیقت را چنین بیان می‌کنند: «نیاز نیکوکاران به انجام دادن کار نیک بیش از نیاز نیازمندان است؛ زیرا پاداش، افتخار و نام نیک آن برای خود ایشان خواهد ماند. بنابراین هر کس کار نیکی انجام دهد، در وله اوّل به خود نیکی می‌کند و سپس به دیگران خیر می‌رساند و درست از این روتست که کسی نباید برای انجام دادن کار نیک خواستار سپاس گزاری دیگران باشد یا بر آنها منتی بگذارد؛ چون سود اصلی کار نیک به خود شخصی برمی‌گردد و اگر دیگران نبودند چنین سودی عاید او نمی‌شد».

از آن جا که فایده و سود واقعی انفاق به خود بخششده مال برمی‌گردد، در رهنمودهای اولیای الهی به بدُل و بخشش بیشتر مال به افراد نیازمند فراوان سفارش شده است. در مواردی نوع تعبیرها به گونه‌ای است که به خوبی معلوم می‌شود در انفاق نه تنها فرد بخششده مال نباید بر مستمند نیازمند مبت نهاد، بلکه باید مبت پذیر و سپاس گزار او هم باشد که به واسطه او چنین سعادتی نصیب وی شده و موفق به انجام این کارنیک گشته است. بنابراین چون انسان نیازمند با قبول انفاق موجب می‌شود که در روز قیامت خیری به بدُل کننده مال برسد، پس در حقیقت این اوست که بر صاحب مال مبت دارد».

در بینش اسلامی گرچه تحصیل مال به منظور انجام دادن کارهای نیک بسیار پسندیده است، اماً انباشتن دارایی و استفاده نکردن از آن نیز بسیار ناپسند به حساب می‌آید. لذا در بسیاری از آیات قرآن همواره به انجام کارهای نیک و صرف دارایی در راه خدا سفارش شده است؛ چرا که این کار علاوه بر آثار مثبت تربیتی، موجب نیل به کمالات واقعی انسانی می‌شود.

اهمیت انفاق در دیدگاه اسلامی به اندازه‌ای است که اگر کسی از آن سر باز زند مانند این است که بهره‌ای از نعمت مال دنیا ندارد. چون خودداری از انفاق به نیازمندان سبب بی بهره ماندن از پاداش احسان و بخشش است و این در حقیقت به معنای عدم برخورداری از ثروت است. چنین افرادی چه بسا در روز قیامت دچار حسرت خواهند شد چون در آن جا با اشخاص بسیاری برخورد می‌کنند



الدیشنهای اقتصادی ابن خلدون

نصرالله خلیلی



صرف کننده و تولید کننده دخالت دارند. هزینه تولید، مطلوبیت، فراوانی کالا نسبت به تقاضا، نوع کالا و حجم بازار، و درآمد، از عوامل مؤثر بر تبیین قیمت به شمار می‌آیند. ابن خلدون درباره نظریه دستمزد و معیار تعیین آن، مالکیت‌های بزرگ زمین و نظریه جمعیت، تحلیل‌هایی چند جنبه ارائه می‌دهد. از نظر او، فساد اخلاقی، بحران‌های سیاسی و آلودگی محیط زیست، عامل توقف یا کاهش رشد جمعیت است. ابن خلدون نظریه تعادل درآمد و هزینه و رابطه آن با رفاه اقتصادی را در سه سطح فرد یا خانوار بازار و شهر مطرح می‌کند و الگویی از این تعادل در دو اقتصاد غنی و فقیر به دست می‌دهد. او در نظریه درآمد خود به بحث راه‌های تحصیل درآمد می‌پردازد و از مدیریت بازرگانی و احتکار سخن می‌گوید. بحث پول و وظایف آن، عرضه پول و نظریه مقداری پول از دیگر مباحث اقتصادی ابن خلدون است. در اقتصاد بخش عمومی، مباحثی چون نظریه دولت، انواع قانون، تحولات دولت، تنظیم مالیه عمومی و اقدامات دولت برای جبران کسری بودجه طرح می‌شود. ابن خلدون قواعدی پنج گانه را به عنوان فواینین دریافت مالیات عرضه می‌کند و فواید نظام مالیاتی مطلوب را برمی‌گزیند. حدود دخالت دولت در اقتصاد از دیگر مباحث این خلدون است. ایجاد امنیت، وظایف نظارتی، انجام خدمات عمومی، ایجاد تعاون، تأمین اجتماعی، از وظایف دولت شمرده می‌شوند. نظریه رشد و توسعه اقتصادی نیز در دیدگاه ابن خلدون جایگاهی ویژه دارد. عوامل جغرافیایی و اقتصادی، مواردی همچون تقسیم کار و تولید جمعی، شکوفایی صنعت، و نیز عوامل سیاسی در این بخش سنجیده شده‌اند. حقیقت این است که در کتاب البصر ابن خلدون، مسائل اجتماعی، اقتصادی و سیاسی خصوصاً واژه عمران به نحو بسیار روش بررسی و تحلیل شده است که با تمدن بشری ارتباطی تنگاتنگ دارد.

منبع : انترتنت

ابن خلدون، فیلسوف، مورخ، جامعه‌شناس و اقتصاددان، بیش از شش سده پیش با روشنی علمی و فراتر از فاهمه عصر خود، به مطالعه و تحقیق ابعاد مختلف پدیده‌های اجتماعی پرداخته است. اعتبار و شهرت او بیشتر مرهون «مقدمه» کتاب البصر است. این کتاب پدیده‌های اجتماعی را تحلیل می‌کند و دربی کیفیات عارض بر حیات جمعی به منظور تبیین سیر تحول امور اجتماعی و کشف قانونمندی آن است. تجرب، اطلاعات و تکاپوی علمی ابن خلدون، وی را از سایر شخصیت‌های علمی متمایز می‌کند. برای بار اول کتاب او در اوایل قرن نوزدهم میلادی مورد توجه قرار گرفت و از آن پس بسیاری چون «توینی» و «جورج سارتن» آن را ستودند و ارزشی برای آن قایل شدند. ابن خلدون در کتاب خود پدیده‌های اقتصادی را نیز تحلیل می‌کند. او مباحث فراوانی در عرصه دانش و نظریه‌های اقتصادی مطرح کرده است. طرح اقتصاد کلاسیک، اهمیت عوامل اقتصادی، تئوری پردازی درباب مالیات، تعديل بین حرفه‌ها، تئوری ارزش کار، تقاضای مشتقه، مفهوم سود، تئوری پول و اقتصاد بین‌الملل، از جمله مباحث اقتصادی ابن خلدون به شمار می‌آیند. روش تحقیق ابن خلدون، روش برهان و استدلال عقلی است. او در فراهم‌سازی مقدمات استدلال از استقراء، تجربه و حتی تحلیل‌های آماری نیز بهره می‌جويد. گردآوری اطلاعات، بررسی صحت آن‌ها، قرار دادن آن‌ها در درون کل نظام اجتماعی، توصیف و سرانجام، نتیجه‌گیری، مراحل کار پژوهشی ابن خلدون است. او دانشی جدید به نام «علم عمران» را پی‌می‌ریزد که گرچه با موضوعات تاریخی رابطه‌ای نزدیک دارد، اما مستقل از آن است. هدف این علم در نظر او، کشف علل و عوامل مؤثر در رویدادهای اجتماعی و بیان شرایط و زمینه‌های تحقق آن‌هاست، نه صرف توصیف و ذکر وقایع اجتماعی، موضوع این علم، «عمران بشری و اجتماعی انسانی» است و مسائل آن، کلیه زمینه‌های حیات اجتماعی بشر را دربر می‌گیرد. ابن خلدون «نظام اقتصاد معیشتی» و «نظام اقتصاد افزارمند شهری» را مظہری از مظاہر عمران بشری می‌داند و در قالب علم عمران به آن‌ها می‌پردازد. او معتقد است که اقتصاد معیشتی در مقایسه با نوع دیگر اقتصاد، ناقص است و در تأمین نیازهای خود به جامعه شهری وابسته است. از نظر او، کار در کسب درآمد و ابناشت ثروت اهمیت دارد، زیرا عامل کار در کنار زمین و سرمایه، محرك تولید است. کار به علاوه فکر و تعاون، زیربنای تمدن بشری است. از سوی دیگر، عامل تعیین‌کننده توسعه اقتصادی و پیشرفت جوامع، تقسیم کار و تولید جمعی است. «کار اضافی» نیز متغیری کلیدی برای توسعه اقتصادی محسوب می‌شود. ارزش از نظر ابن خلدون از نوع درآمد و ثروت است و منشأ اصلی آن نیز کار به شمار می‌رود. در تعیین ارزش، مبادله

دورنمای بانکداری اسلامی در افغانستان

کنفرانس بین المللی «دورنمای بانکداری اسلامی در افغانستان» از سوی اداره بانکداری و اقتصاد اسلامی (الهدی) تحت رهبری و حمایت بانک مرکزی و اتحادیه بانکهای افغانستان در تاریخ ۱۸ جوزای ۱۳۸۹ خورشیدی با حضور نمایندگان بانک های افغانستان برای مدت دو روز در کابل برگزار گردید.



عبدالقدیر فطرت رئیس بانک مرکزی افغانستان هدف از تدویر این کنفرانس را بحث و تبادل نظر و تجربیات پیرامون معاملات و چگونگی انجام خدمات بانکداری اسلامی اعلام کرد و اظهار نمود این اقدام نخستین ابتکار برای آگاهی دهی در عرصه بانکداری اسلامی در افغانستان می باشد که امیدوارم پیامد خوب و شریخشی در پی داشته باشد. وی افزود: بانکداری اسلامی یک پدیده نو نیست بلکه ۱۴۰۰ سال قبل دین مقدس اسلام این سیستم مالی را برای بشریت عرضه نموده است. برای افغانستان منحیث یک کشور اسلامی این روند گام مثبتی در راستای رشد اقتصاد کشور به شمار می رود. بر اساس آمار و ارقام ارایه شده از سوی رئیس بانک مرکزی افغانستان، در حال حاضر ۳۰۰ بانک اسلامی در ۵۸ کشور جهان به شمول ایالات

متعدد امریکا و برخی از کشورهای اروپایی فعالیت می نماید و ارزیابی هایی که در اواخر سال گذشته انجام شده است نشان می دهد که سرمایه بانکهای اسلامی در جهان ۱۰ الی ۱۵ فیصد سالانه در حال افزایش است که چنین آمار و ارقامی قناعت بخش می باشد. آقای فطرت افزود: امروز ما مسوده قانون بانکداری اسلامی را در اختیار داریم. ان شاء الله بعد از تکمیل و ترجمه آن به وزارت محترم عدیله جهت ارزیابی ارسال خواهد شد و بعداً جهت تصویب به ولسی جرگه ارائه می گردد. بانک مرکزی افغانستان قبلاً به بانک های تجاری اجازه فعالیت بانکداری اسلامی را که شامل مضاربه، مشارکه، مرابحه و اجاره می شوند داده و با استقبال چشمگیر مردم نیز مواجه شده است. بر این اساس بانک مرکزی افغانستان قوی ترین بخش نظارت بر بانکداری اسلامی را در بانک مرکزی ایجاد نموده که عنقریب به فعالیت آغاز خواهد کرد.



دکتر محمد ایاز نیازی استاد دانشکده شریعت و یکی از علمای سرشناس کشور در بخشی از سخنان خود گفت: یکی از اشتباهات بزرگی که جهان در حق اسلام مرتکب می شود، این است که اسلام را فقط در روی ادیانی قرار داده اند که تنها موضوعات و اساسات عقیدوی را به پیروان خویش هدایت می دهد که این خود یک اشتباه و غلط فهمی است. در حالی که مسیحیت و یهودیت دین است اما اسلام نه تنها دین است بلکه یک نظام است. وی افزود: وقتی که صحبت از بانکداری اسلامی می شود ما به سه محور اساسی بر می خوریم، محور اول محور اداری است اما متأسفانه که تاکنون اگر لایحه و قانونی پیرامون بانکداری اسلامی و یا معلوماتی در این خصوص از جانب اکثریت ارگان های مالی اسلامی ارائه شده، از محدوده

تشکیلات و موضوعات ابتدایی بیرون نبوده است. در حالی که مشکل در موضوعات شکلی بانکداری اسلامی نداریم. عصر کنونی به بهترین نوع می تواند به ما یک اداره و یا یک بانک را تشکیل کند. تشکیلات یک محور است. محور دوم حکم شرعی بانکداری اسلامی است و محور سوم مجالات بانکداری اسلامی است. ما در بانکداری اسلامی بدون در نظر داشت اصل حرمت حرکت می کنیم که این امر خلاف فقه اسلامیست. اکثریت مطلق فقهای اسلامی به این نظر هستند که اصل در تمام معاملات و اموری که انسانها به آن نیاز دارند، اصل اباحت را تشکیل می دهد تا زمانی که کدام دلیل برخلاف او پیدا نشود. در بانکداری اسلامی فقط مسئله ربا مطرح نیست، بلکه قضیه مجھولیت یک معامله است. قبل از اسلام عرب ها تجارت پیشه بودند، انواع تجارت در جزیره العرب وجود داشت، اسلام آمد و احکام تمام تجارت ها و معاملات مالی، یعنی تحریم، تعديل و تأیید را مورد بررسی و ارزیابی قرار داد، خوشبختانه اکثریت مطلق روش های معمول تجارت مورد تأیید اسلام قرار گرفت مانند سلم، مضاربه، مساقات و امثال آن. به نظر من شاید ۶٪ معاملاتی که امروز ما به آن رو به رو هستیم قابل تعديل است. در مجالات بانکداری اسلامی، قسمی که خدمت تان عرض شد اگر ما یک سلسله معاملات معاصر را با آن تعديل کنیم صورت حرمت بسیار محدود باقی می ماند. بر می گردیم به این که در فقه اسلامی ما چند مثال داریم مثل مراباحه، مزايدة، تولیه، مضارب و مشارکت. ما در فقهای اسلامی قوی ترین نظام اقتصادی و بهترین مدارک فقهی نیز داریم که بر اساس آن حرکت می کنیم. در بانکداری اسلامی مضارب اثواب مختلف دارد یکی مضارب مطلق داریم، در این حساب، بانک دست باز دارد در این نوع مضارب اگر تلفی صورت گیرد، در صورتی که از غفلت و سرکشی عمدی بانک نشأت کرده باشد، بانک مسؤول است با وجودی که مضارب مطلق است. دوم مضارب مقیده داریم در این نوع حساب مشتری شرایطی را بر بانک وضع می نماید و بانک باید مطابق شرایط مالک سرمایه عمل کند. خوشبختانه که جهان امروز به طرف بانکداری اسلامی روان است حتی کشورهای غیر اسلامی به خاطر نجات اقتصاد جهان به بانکداری اسلامی کند. اما متأسفانه که ما مسلمانها از این نعمت بی بهره هستیم و به مسایل جزوی دامن می زنیم. من به صورت واضح می بینم که آینده در قلمرو اسلام است، آینده بشریت را خصوصاً در این مرحله که اقتصاد جهان بحرانی شده است اگر بانکداری اسلامی جایگزین بانکداری عمومی نگردد یقیناً که بشریت به یک فاجعه بزرگ اقتصادی مواجه خواهد شد.



نجیب الله امیری سکرتو^r جنرال و عضو هیأت مدیره اتحادیه بانکداران افغانستان در قسمتی از سخنان خود گفت: طوریکه برای همه ما واضح و روشن است اسلام نه تنها یک دین است بلکه رمز کامل زندگی است، که در تمام عرصه های زندگی برای افراد و جامعه هدایت کننده می باشد. بناءً ترویج و عملکرد اقتصاد اسلامی یک ضرورت مبرم و زمینه ساز رشد اقتصادی وایجاد فرصت برابر برای همگان می باشد. باین حال، دین مقدس اسلام در عرصه فعالیت های اقتصادی، به انجام این گونه فعالیت ها و بهره مند شدن از امتیازات آن تأکید کرده است. بانک ها به طور گسترده به عنوان مهم ترین نیروی محرك اقتصاد عصر حاضر شناخته شده اند. به نظر من، در سیستم بانکداری عمومی یا سنتی معاملات بر اساس حفظ سرمایه مشتری و پرداخت منافع ثابت به آنها عمل می کند. در حالی که در بانکداری اسلامی

معاملات بر اساس مضاربیت (شرکت در نفع و ضرر) صورت می‌گیرد. در واقعیت امر مشتری و بانک در سود و زیان تجارت و پروژه‌ها با بانک شریک می‌باشند. براساس احکام و اوامر خداوند متعال مبنی بر منع استفاده از معاملات ربوی، دریافت منافع بیشتر و شکوفایی اقتصاد کشور بانک مرکزی افغانستان و اتحادیه بانکداران افغانستان در راستای تحقق فرهنگ استفاده از بانکداری اسلامی دست به دست هم داده و اقدام به برگزاری این کنفرانس ارزشمند نموده اند. امیدواریم که این کنفرانس نقطه عطفی در این مسیر باشد.



شاه فهد یوسفی مسؤول بخش بانکداری اسلامی غضنفر بانک در کنفرانس بین المللی کابل گزارشی پیرامون صکوک (قراردادهای اسلامی) را ارائه کرد. که نقاط مهم وارزنه آن قرار ذیل است:

تعريف صکوک:

- صکوک عبارت از یک قرارداد اسلامی است.
- اداره تفتیش و محاسبه برای نهادهای مالی اسلامی صکوک را چنین تعریف

نموده است:

صکوک عبارت از اسناد حاوی ارزش متساوی مالی است که در مقابل دارایی محسوس، منفعت یا خدمات از جانب یک شرکت دارای موضوع مخصوص و یا سرمایه گذاری ویژه صادر گردیده باشد.

اقسام و انواع صکوک

- صکوک اجاره
- صکوک مشارکت
- صکوک مراجعة
- صکوک سلم
- صکوک دیگری صکوک مانند:

صکوک الوکاله، صکوک المزارعه، صکوک المساقا، صکوک المقارصه، صکوک منفعت اجاره، صکوک موصوفه بالثمن و یا صکوک ملکیه الخدمه ... گفتگوییست که اداره AAOIFI برای ۱۴ نوع صکوک اساسات بنیادی را صادر نموده است.

در اخیر این کنفرانس قطعنامه ایی صادر شد و از سوی برگزارکنندگان این کنفرانس به ویژه مسؤولین بانک‌های شرکت کننده تأکید به عمل آمد تا هرچه زودتر تمام معاملات بانکداری اسلامی در افغانستان با معاملات بانکداری در جهان به هدف تحقق فرهنگ استفاده از بانکداری اسلامی هماهنگ گردد و از تمام جوانب آن اطمینان حاصل شود که بانکداری اسلامی در افغانستان طبق اصول فقه معاملات اسلامی و اساسات کلی شریعت غرای محمدی به منظور پیشرفت اقتصاد افغانستان فعالیت می‌نماید.





ویژه اخبار اقتصادی

اقتصادی

هشدار سازمان فائو به کشورهای آسیایی



سازمان فائو (FAO) روز چهار شنبه مورخ ۱۶ سرطان ۱۳۸۹ خورشیدی به کشورهای آسیایی هشدار داده است که هزینه بیشتری را به کشاورزی اختصاص دهنده تا گرفتار بحران غذایی نشوند.

ژاک دیوف، رئیس سازمان جهانی کشاورزی و غذا، گفته است: دو سوم جمعیت گرسنه جهان، در منطقه آسیا و اقیانوسیه زندگی می کنند اما کشورهای آسیایی برای بخش کشاورزی اهمیت کمی قائل بوده اند. وی افزود: برای جلوگیری از قحطی باید 50% هزینه کشاورزی را افزایش دهنده.

هاروهیکو کورودا، رئیس بانک توسعه آسیا نیز گفته است با توجه به افزایش جمعیت، تغییرات اقلیمی و کمبود آب، ضروری به نظر می رسد که کشورهای آسیایی باید هرچه زود تر برای جلوگیری از این بحران اقدام کنند. او معتقد است که بزرگی آمار و ارقام مربوط به نالمنی غذایی، به این دلیل بوده است که دولت ها در سیاست گذاری های توسعه اقتصادی، اهمیت کمی به بخش کشاورزی داده اند.

فائو یا سازمان خوارک و زراعت ملل متحد از سازمان های بین المللی است که در زمینه توسعه کشاورزی فعالیت دارد. سازمان فائو در سال ۱۹۴۵ توسط ۴۴ کشور عضو سازمان ملل متحد تأسیس شد. هدف این سازمان، بالا بردن سطح زندگی و بهبود تغذیه مردم جهان، توزیع مناسب مواد غذایی در مناطق مختلف جهان و ایجاد امنیت غذایی است. مبارزه با سوء تغذیه با ارائه اطلاعات لازم به کشورهای مختلف؛ از دیگر اهداف فائو است که حاصل کشاورزی و سطح تغذیه در جهان را افزایش داده است. مقر این سازمان واقع در شهر روم در کشور ایتالیا است.



نمایی از برگزاری کنفرانس «دور نمای بانکداری اسلامی در افغانستان»



باغ زنانه شهر کابل

به نام باغ "شهرآرا" مسمی گردید

باغ زنانه شهر کابل، طی محفلی با اشتراک مقامات بلند پایه دولتی، داکتر زلمی زابلی رئیس کمیسیون سمع شکایات مشرانو جرگه و تعدادی از نماینده گان پارلمان، به تاریخ ۱۰ سرطان سال روان، از سوی دکتور حسن بانو غضنفر سرپرست وزارت امور زنان به نام باغ شهرآرا مسمی گردید.

پوهنمل داکتر حسن بانو غضنفر سرپرست وزارت امور زنان خمن بازدید از جریان کار بازسازی این باغ، یاد آور شد که هدف از تغییر نام این باغ به نام شهرآرا یکی از زنان نامور کشور، زنده نگهداشتن نام زنان تاریخ کشور است. وی اضافه کرد که قرار است باغ های زنانه که در سراسر کشور اعمار می گردد، به نام یکی از زنان مشهور همان ولایت و منطقه که در گذشته ها خدماتی را برای جامعه و مردم ما در عرصه های مختلف انجام داده اند، مسمی گردد.

سرپرست وزارت امور زنان همچنان از اعمار نمودن باغ دیگری در شهر کابل به نام جهان آراء، نیز خبر داد. شهر آراء وجهان آراء دو زن نامدار خانواده بابری ها بودند که در قرن ۱۶ میلادی زندگی می کردند.

در باغ شهرآرا علاوه بر وجود یک مارکیت مملو از صنایع دستی زنان افغان، جمنازیوم، میدان ورزشی، مسجد، آشپزخانه و محلی برای آموزش علوم دینی نیز وجود دارد.

همچنان شمار زیادی از زنان در این باغ با همکاری دفتر همکاری های ایتالیا، در بخش های مختلف چون ساختن چراغ آفتابی، ترمیم موبایل و صیقل سنگ های قیمتی، آموزش می بینند.





نمایندگی غضنفر بانک در شهر پلخمری

آدرس: هوفیان مارکیت - مقابل شهوداری - پلخمری

شماره تماس: +93(0)797860038

polekhomri@ghazanfarbank.com

www.ghazanfarbank.com



نمایندگی غضنفر بانک در شهر کندز

آدرس: شمال چوک عمومی - مارکیت زرگری حاجی امان - شهر کندز

شماره تماس: +93(0)797860075

kunduz@ghazanfarbank.com

www.ghazanfarbank.com



نمایندگی غضنفر بانک در شهر جلال آباد

آدرس: چوک مخابرات - کوچه سطرنجی فروشی - شهر جلال آباد

شماره تماس: +93(0)797860008

[Jalalabad@ghazanfarbank.com](mailto>Jalalabad@ghazanfarbank.com)

www.ghazanfarbank.com



نمایندگی غضنفر بانک در شهر باستانی هرات

آدرس: چوک گلهای - جاده شمالی مسجد جامع - شهر هرات

شماره تماس: +93(0) 797860070

herat@ghazanfarbank.com

www.ghazanfarbank.com



نمایندگی غضنفر بانک در شهرنو کابل

آدرس: چهار راه توره بازخان - شهرنو

شماره تماس: +93(0) 797860074

shahrenaw@ghazanfarbank.com

www.ghazanfarbank.com



نمایندگی غضنفر بانک در ولایت تخار

آدرس: چوک شهر تالقان - رسته خیاطی - نارسیده به

مسجد جامع - شهر تالقان

شماره تماس: +93(0) 797860073

takhar@ghazanfarbank.com

www.ghazanfarbank.com

پیستان

ویژه شعر و ادب

کابل زیبا

دیشب به یاد کابل زیبا گریستم
بر شاخه های آن گل کنیا گریستم
بر کوه و بروزی که همی سوزد از ستم
بر یاد باغ پرگل بالا گریستم
 بشکست شاخه های طرب در چمن همی
بر غنچه ها که سوخت ز گرمما گریستم
کودک زخانه رفت برای دو قرص نان
برگشت یا نگشت به اینها گریستم
بر کودکی که تشنه و بی آب مرد و رفت
بر مادری که گفت ای وا گریستم
از کف چو داد دلب خود مرد عاشقی
بر نو گلی که رفته ز دنیا گریستم
بر دختری که چنگ زند گیسوان خویش
بر مرد خون تپیده و تنها گریستم
کابل! هوای صبح تو یادم نمیرود
اندر هوای تو به دوصد جا گریستم
همسايه گفت شب تو چرا می گریستی
گفتم برای کابل تنها گریستم
نفیسه خوشتصیب غضنفر

جام من و سبوی او

وطن بعد از خدا، نامت مرا ورد زبان بادا
شراب سرخ سودایت، به رگهایم روان بادا
الله ای شهر کابل ای عقاب زخمی دوران
همای بخت را بر گوشهء بامت مکان بادا
بر و بومت صفا، از لوث بدخواهان و بد کیشان
گریبانت رها، از پنجهء اهریمنان بادا
زخون نوجوانانت مبادا لاله گون سنگی
اگر رنگین شود کوهرت، ز جوش ارغوان بادا
نریزد گرد غم یارت به کوه و دشت گردیزت
به لوگر مطروب مستانه در سور و فغان بادا
بساط یکدلی هموار، زیر تاک پروانت
زلال زندگی جاری، به بند بامیان بادا
الا ای هندوکش ای سرفراز پهنهء تاریخ
سر آزاده ات از دست دشمن در امان بادا
الا ای هیرمند ای قصه گوی پیر دورانها
خروش نغمهء هستی به موجت جاودان بادا
الا ای قندهار ای مرز و بوم قهرمان پرور
به بامت خرقهء پاک محمد(ص) ساییان بادا
الا ای غزنه ای خاکت زیارتگاه درویشان
محبان را در آن وادی، سنایی میزان بادا
الا شهر هری دست اجانب از تو کوته باد
روان خواجهء انصار آنجا پاسبان بادا
الا ای ننگرهار، ای مامن سیدجمال الدین
به باستان نارنجت غریبو بلبلان بادا
الا ای ملت خاموش و در خون خفتهء افغان
زبان خامهء شاعر شما را ترجمان بادا
رازق فانی



۵۰ جان بیرون، اعماق
دله فلک سیاه و خال « زدن بجه و آن بجه »



د غمو سره په جنگ يم
غور يدلې رنگ په رنگ يم
پا نې پا نې کرم بادونو
د ګلاب د ګل په منگ يم
ستړې ستړې زه روانه
په پیچو مو او ګړنگ يم
د دي کاهو کاهو زړونو
ژډولي هر نير نگ يم
ييم بي کوره مسافره
له وطن نه مې په خنگ يم
دغلام چې غلامې کړي
زه څه له دي بي ننگ يم
د هر چالپاره سوزم
دا په خوي دکوم پتنگ يم؟
لكه سیوري راسره خي
د دردونونه په تنگ يم
ييم «نغمه» د شاپیرې خو
د خپل زره په وينورنگ يم

شاپیرې نغمه

غزل

زړه خو مې درکړي که مې زړه غواړې
وواړه جانانه ته نور خه غواړې
راشه چې د دوه سترګو په جنګ شو یا
سترګو کې دی خوبشیرې که ليمه غواړې
تا چې مې ریبار خفه راولیړه
هر وخت د ریبار خبرې ته غواړې
بنکلیه! غنم رنګه له نظر نه شې
دود ته سپلنۍ که مې باڼه غواړې
څله دې شبېلی شپونکې ماټه کړه
ته توره کېږدې کې کوچې نه غواړې
سترګو کې کاته د پښتو غوندي
mineh صداقته پښته غواړې

استاد عبدالله صداقت

د یورپ د بنکلو پیغلو امیلوونه
دی زمونو د بدخشان بنکلی لالونه
د بل خای د جنکیو وریل کې ګورم
د خپل کلی د چمن بنایسته ګلونه
د غاټولو کډي لاړي بل پلو تري
هغه د بشتو کې چې کړل مونو مزلونه
اوسم کوشو کې د بې قدره پردو ګرځي
چې وړمو ېې بنکلول تور وریلوونه
چینارونه دی خې اختره راشه
چې بیا بنکلی پکي واچوي ټالونه
هغه هم له دی وطن نه هر خه یووړل
چې کول د خیراتو به ېې سوالونه
ماټه بنکاري چې غمونو درنه غلا کړل
په سپین مخ دی پاتي نه دی شنه خالونه
دبې ننګو بې ننګي دلته زړه سوانده
راوستلي دا ترڅه بدرنګ ګلونه
حبيب الله زړه سواند

مهریار جهان فانی را وداع گفت



رحیم مهریار هنرمند ممتاز کشور روز چهارشنبه دوم سلطان ۱۳۸۹ خورشیدی در کشور آلمان به دیار حق پیوست. مهریار از دو سال به این طرف به بیماری سلطان جگر مبتلا بود و از این بابت به شدت رنج می‌برد. وی طی سی سال آهنگ‌های زیادی را سرود و دلهای خسته‌ای را نیز شاد ساخت. اما متاسفانه طی دو سال اخیر که رنجور بود، نتوانست به این روند ادامه بدهد تا بالاخره بعد از پنجاه و چهار سال زندگی جان را به جان آفرین تسليم کرد.

مهریار سال گذشته کنسرت مشترکی را با همسرش خانم پرستو به حمایت انگلا مرکل نخست وزیر آلمان در شهر «بن» برگزار کرد و هزینه عواید آن را به کودکان خسته افغان اهدا نمود.

از رحیم مهریار سه دختر و یک پسر به جا مانده است که در کنار مادرشان در کشور آلمان به سر می‌برند. هیأت رهبری غضنفر بانک مرگ این هنرمند محبوب کشور را ضایعه جبران ناپذیر قلمداد نموده و به خانواده و بازماندگانش تسلیت عرض می‌نماید.

روحش شاد و یادش گرامی باد!

غضنفر بانک
GHAZANFAR BANK

بانکداری ذریعه اینترنت
Net Banking

E- Statement خدمات

با این خدمات مشتریان غضنفر بانک می توانند پیزامون صورت حساب خویش از طریق ایمیل معلومات حاصل کنند. ضرورت به حضور مشتریان به بانک دیده نمی شود. غضنفر بانک می تواند که صورت حساب مشتریان خویش را پنابر بر تقاضای آنها ذیلاً به آدرس ایمیل شان ارسال نما یند:



حساب خود را در غضنفر بانک از طریق ایمیل دریابید

رابطه اخلاق و عرفان اسلامی

آن است که روی خود را در آینه جهان بنگرد. اصحاب جمال معتقدند تجلی زیبایی، علت خلقت است و عشق، نخستین مخلوق است.

۳- نحله اصحاب نوره اینان معتقدند ذات حقیقت، نور یا فکر است و باید با اشراق یا تفکر به آن رسید.

در مورد اخلاق نیز باید گفت با آنکه در بسیاری از مناطق جهان اسلام، شریعت را در سطح قانون به طور کامل اجرا نمی‌کنند اما اخلاقیات موجود در تعالیم شرعی همچنان در جامعه اسلامی نافذ است.

دانش اخلاق در میان مسلمین با رویکردهای گوناگونی روبرو بوده است و منجر به پیدایش دستگاههای متفاوتی شده است که به آنها اشاره می‌شود:

۱- اخلاق فلسفی که خود شامل اخلاق جالینوسی، افلاطونی، فیثاغورسی - هرمی و ارسطوی می‌باشد. رویکرد ارسطویی که شاخص اصلی آن قانون اعتدال است به دلیل آنکه به طور مکرر مجال بروز یافته مشهورتر می‌باشد.

در این رویکرد میان نظرات شرع اسلام و فلاسفه یونان توافق ایجاد شده است.

۲- اخلاق عرفانی، هدف این مکتب تربیت انسان کامل یا کون جامع است که عصاره خلقت و جامع جمیع نشأت وجود و غایت آفرینش ماسوا است.

۳- اخلاق نقلي، بر مجموعه‌ای از تصنيفات و تأليفات که عهدهدار جمع‌آوری روایات دینی است اطلاق می‌شود. وحی، دایر مدار همه این تأليفات است.

۴- اخلاق ترکیبی که از ظرفیت‌های هر سه مکتب فلسفی، عرفانی و نقلي بهره می‌گیرد. البته اگر به مبانی معرفت شناختی و انسان‌شناختی رویکرد فلسفی و عرفانی توجه شود از چنین تلفیقی باید صرفنظر کرد، زیرا معرفت شناسی فلسفی، عقل محور است و

منصوره حسینی

پس از تصویب درس عرفان عملی در اسلام به عنوان یکی از چهار درس انتخابی در حوزه اخلاق اسلامی، مباحث مربوط به عرفان اسلامی، تفاوت عرفان عملی و عرفان نظری، تمایز بین اخلاق و عرفان و مباحثی از این قبیل در حوزه دروس معارف اسلامی به شکل جدی‌تری مطرح شده است. در این مقاله سعی شده است تا پاسخ برخی از این پرسش‌ها ارائه گردد.

مقدمه

عرفان و اخلاق دو مقوله اساسی در علوم اسلامی هستند که پیشینه هر یک از آنها به تاریخ قبل از اسلام باز می‌گردد. عرفان در همه ادیان و مذاهب و حتی مکاتب فلسفی کم و بیش وجود داشته و دارد و تا کنون کسی نتوانسته است درباره اینکه منشأ آن کجاست اظهار نظر قطعی و دقیق کند. تردیدی نیست که در هر یک از مذاهب و ادیان، نشانه‌هایی از زهد و پرهیز کاری و بی‌اعتنایی به امور مادی و انصراف و بی‌توجهی به دنیا وجود دارد و شاید بتوان گفت که یکی از خصوصیات عمومی ادیان و مذاهب توجه به امور معنوی و تحریر دنیا و مظاهر مادی است.

عرفان اسلامی از سه منظر مکمل یکدیگر به حقیقت نهایی نگریسته است:

۱- نحله اصحاب اراده: که از لحاظ تاریخی بر نحله‌های دیگر مقدم است و بزرگانی چون ابراهیم ادهم و رابعه عدویه را پرورده است. از دیدگاه اینان حقیقت نهایی همانا اراده است و به خدایی بر کنار از هستی معتقدند، آنان با زهد و خداجویی عمیقی که معلول حساسیت‌شان نسبت به گناه بود سلوک می‌کردند. به فلسفه‌پردازی رغبتی نداشتند و فقط می‌کوشیدند عملاً به آرمان خود واصل شوند.

۲- نحله اصحاب جمال: معروف کرخی در سده دوم، عرفان را دریافت حقایق الهی دانست. به اعتقاد او حقیقت نهایی چیزی جز جمال سرمدی نیست. جمال سرمدی به اقتضای ذات خود، در پی



افعالی جمیل و محمود، یا قبیح و مذموم صادر تواند شد، به حسب ارادت او و چون چنین بود اول باید معلوم شود که نفس انسانی چیست و نهایت و کمال و قوتهای او کدام است و چگونه آن را باید بر وجهی استعمال کنند تا کمال و سعادتی که مطلوب آن است حاصل آید." خواجه در اینجا اخلاق را در دو سطح مطرح کرده است. یکی اخلاق علمی که به روش حکیمان با استدلال، مبانی اخلاق را تبیین می‌کنند و دریاره نفس آدمی از آن جهت که دارای ملکات نفسانی است و از او افعال ارادی پسندیده یا ناپسند صادر می‌شود بحث می‌کند؛ شناخت نفس و قوای نفسانی و کمال نفس، مبادی علم اخلاق هستند. بخش دیگر، اخلاق عملی یا همان سیر و سلوک عرفانی است که چگونگی وصول به کمال و عوامل و موانع کمال را مطرح می‌کند. عرفان به عنوان یک دستگاه علمی و فرهنگی دارای دو بخش است: بخش عملی و بخش نظری.

عرفان عملی عبارت است از آن قسمت که روابط و وظایف انسان را با خودش و جهان و خدا بیان می‌کند و توضیح می‌دهد. عرفان در این بخش مانند اخلاق است یعنی علم عملی است و سیر و سلوک نامیده می‌شود. در این بخش از عرفان توضیح داده می‌شود که سالک برای اینکه به قله رفیع انسانیت یعنی توحید برسد از کجا باید آغاز کند و چه منازل و مراحلی را باید طی کند و در منازل بین راه چه احوالی برای او رخ می‌دهد و چه وارداتی بر او وارد می‌شود البته همه این منازل و مراحل باید به مراقبت یک انسان کامل و پخته که قبلًاً این مراحل را طی کرده و از راه و رسم منزل‌ها آگاه است صورت گیرد و اگر همت انسان کاملی بدرقه راه نباشد خطر گمراهی وجود دارد.

اما موضوع عرفان نظری را قیصری در شرح قصیده ابن فارض اینگونه بیان می‌کند: در حقیقت از نظر عرف، وجود حقیقی همان ذات احادی و صفات و نعموت اوست؛ زیرا دار هستی غیر از او دیاری ندارد. یعنی بحث از ذات حضرت حق بحثی از تمام عالم هستی است. پس علم عرفان عالی‌ترین علوم است زیرا موضوع آن اعم از موضوعات علوم دیگر است و عمومیت آن همانند عمومیت برخی از مفاهیم میهمان نیست بلکه چون دارای معنای روشن می‌باشد عمومیت آن با تمامیت و شمول و فراگیری همراه می‌باشد.

رابطه اخلاق و عرفان

عرفان و اخلاق گاه چنان به یکدیگر نزدیک می‌شوند که گمان می‌رود یک عارف، اخلاقی بزرگی است و همین طور یک اخلاقی گمان می‌رود عارفی است که تمام مراحل سیر و سلوک را طی کرده است. اما اخلاق و عرفان به رغم همه قرابت‌هایشان گاه چنان دچار افتراق می‌شوند که به نظر می‌رسد راهشان جداست.

برخی از عرفای بر این باورند: هدف عرفان عملی تحقق رهاآورد عرفان نظری و هدف اخلاق عملی تحقق رهنمودهای اخلاق

انسان همه اندیشه است؛ اما در اخلاق عرفانی معرفت باید شهودی و قلبی باشد. به همین ترتیب مبانی انسان‌شناسی عارف و فیلسوف نیز تفاوت دارد. عارف بخش گوهرین وجود انسان را دل می‌شمارد برخلاف فیلسوف که گوهر وجود انسان را عقل می‌داند. اما ترکیب مورد نظر ما ترکیب عامی است که در پاره‌ای موارد آن، عناصر فلسفی بیشتر است و در موارد دیگر عناصر عرفانی غلطیت بیشتری دارند.

معنای اخلاق و عرفان

اخلاق جمع خُلق و خُلق می‌باشد. راغب می‌گوید: خلق با خلق در اصل یکی است همچون شرب و شرب و صرم و صرم. لیکن خلق به کیفیات و شکل‌ها و صورت‌هایی که به واسطه چشم دیده می‌شوند و درک می‌گردد اختصاص یافته است و خلق ویژه نیرو و سرشت‌هایی است که با بصیرت فهمیده می‌شوند.

ابوعلی مسکویه در کتاب تهذیب‌الأخلاق و تطهیر‌الاعراق می‌نویسد: "خلق حالی است برای جان انسانی که او را بدون تفکر و تأمل به سوی کارهایی بر می‌انگیزد." حال به دو نوع تقسیم می‌شود اول حالی که طبیعی است و از اصل مزاج ناشی شده است مانند انسانی که کوچکترین چیزی او را به طرف غصب تحریک می‌کند و با کمترین سببی به هیجان می‌آید دوم حالی که به واسطه عادت و تمرین به دست می‌آید و چه بسا مبدأ آن فکر باشد، سپس به طور متواتی استمرار می‌یابد تا ملکه و خلق گردد.

عرفان از ریشه عَرَفَ به معنای شناختن، دانستن، اعتراف کردن، مشهور و نیکی است. عرفان روش و طریقه‌ای است که می‌توان آن را شایع‌ترین مکتب و مرام میان اقوام و ملل مختلف دانست، طریقه‌ای که در کشف حقایق جهان و پیوند انسان و حقیقت نه بر عقل و استدلال بلکه بر ذوق و اشراق و وصول و اتحاد با حقیقت تکیه دارد و برای نیل به این مراحل دستورات و اعمال ویژه‌ای را به کار می‌گیرد.

ابوسعید در تعریف عرفان گوید: "آنچه در سر داری بنهی و آنچه در کف داری بدھی و آنچه بر تو آید نجهی." ابن عطا گوید: "ابتداش معرفت است و انتهایش توحید". جنید گوید: "تصوف صافی کردن دل است از مراجعت خلقت و مفارقت از اخلاق طبیعت و فرو راندن صفات بشریت و دور بودن از دواعی نفسانی و فرو آمدن در صفات روحانی و بلند شدن به علوم حقیقی و به کار داشتن آنچه اولی است الی البد و خیرخواهی به همه امت و وفا به جای آوردن بر حقیقت و متابعت پیغمبر کردن در شریعت".

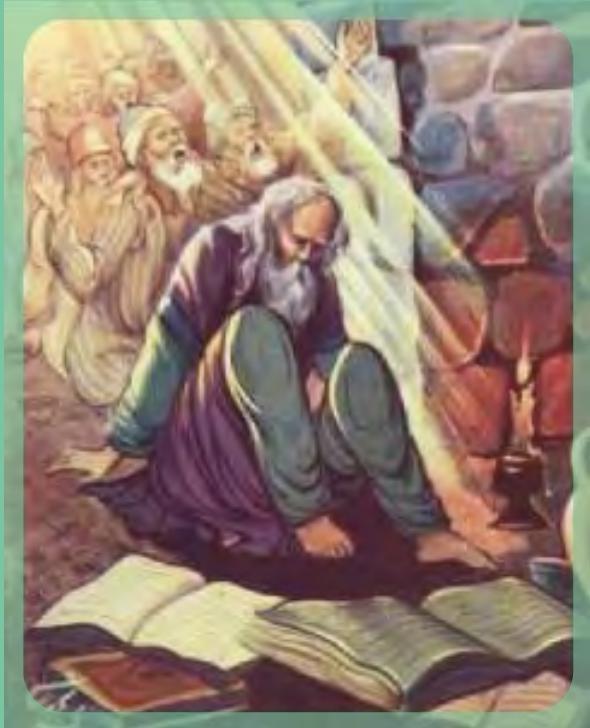
موضوع اخلاق و عرفان

یکی از مهم‌ترین رئوس ثمانیه بیان موضوع علم است. خواجه نصیر، موضوع علم اخلاق را در کتاب اخلاق ناصری چنین بیان می‌کند: "موضوع این علم، نفس انسانی است از آن جهت که از او

همچنین در اخلاق با مدل انسانی روبرو هستیم. مکاتب مختلف اخلاقی از پیروانشان می‌خواهد که خود را متخلق به اخلاق انسانی کنند اما مدلی که عرفان ارائه می‌دهد خود حضرت حق است و انسان موظف است خلیفه بودن خود را به نحو درستی ادا کند.

مراحل روحی در اخلاق، محدود است اما در عرفان این مراحل بسی از گسترده‌تر و وسیع‌تر می‌باشد، طوری که خود اخلاق از نظر عرفایی مانند خواجه عبدالله انصاری جزء یکی از ده مقالات و منازل به حساب می‌آید و خود به ده باب تقسیم می‌شود که شامل صبر، رضا، شکر، حیا، صدق، ایثار، خلق، تواضع، فتوت و انبساط می‌باشد و به جز این منزل خواجه به نه منزل دیگر قائل است که شامل بدايات، ابواب، معاملات، اصول، وادی‌ها، احوال، ولایات، حقایق و نهایات می‌باشد و هر کدام به ده باب تقسیم می‌شوند که عبور از آنها برای سالک ضروری می‌باشد.

از مسائل مهم در عرفان، وجود مراد یا پیر و مرشد می‌باشد که در اخلاق حداقل به این شدت وجود ندارد. به دلیل آنکه حالات درونی و راههای معنوی انسان‌ها با یکدیگر متفاوت است و صد در صد حکم کلی ممکن نیست لذا ولایت و اشراف مستقیم مراد نسبت به مرید در سیر باطنی ضرورت می‌باشد. عرفان تکروی را جایز نمی‌دانند چرا که در این راه خطرها بی‌شمارند و غالباً سالک را از پای در می‌آورند و اگر هم کسی به ندرت بی‌ارتباط با شیخ و استاد به جایی برسد باز هم حتماً در اثر همت و امداد پیری غایب بوده است اما به هر حال بهره حاضران در محضر پیر و استاد بیشتر خواهد بود.



نظری است. در اخلاق نظری بحث پیرامون تهذیب روح و تزکیه قوای ادراکی و تحریکی نفس و مانند آن است و عصاره مسائل آن درباره شئون نفس می‌باشد. اثبات اصل نفس و تجرد و قوای آن بر عهده فلسفه است؛ در نتیجه اخلاق عملی نیز کوششی برای پرورش روح مهذب و تربیت نفس زکیه است. و عرفان نظری فوق فلسفه کلی است زیرا وجود مطلق یعنی وجود، بدون هیچ قید و شرطی موضوع عرفان است که فوق وجود به شرط لا است که موضوع فلسفه است در نتیجه موضوع عرفان فوق فلسفه قرار دارد. عرفان عملی نیز جهاد و اجتهاد برای شهود وحدت شخصی وجود و شهود نمود بودن جهان امکان بدون بهره از بود حقیقی می‌باشد.

در بررسی رباطه اخلاق و عرفان در می‌باییم که عقل و استدلال روح حاکم و کلی در اخلاق است. انسان اخلاقی همواره از ابزار عقل بهره می‌برد و با کنار هم گذاردن صغرا و کبراها به این نتیجه می‌رسد که برای رسیدن به سعادت از چه راههایی باید عبور کرد.

اما در عرفان روحیه حاکم، عشق و محبت است. عارف از آن جهت عارف شده است که دل را ابزار کار خود قرار می‌دهد؛ او از منطق و عقل تا مرحله‌ای استفاده می‌کند اما عشق همیشه عاشق را به مراحلی کشانده و مجبور به اعمالی کرده است که نزد عame به جنون تعبیر می‌شود. در احوالات فضیل گفته شده است: "نمونه زهد و ریاست بود، از معاشرت با مردم تفری داشت و با وجود آنکه ازدواج کرده بود زندگی خانوادگی را بزرگترین مانع رسیدن به خدا می‌دانست. در مدت سی سال تنها یک بار او را خندان یافتد و آن وقتی بود که پرسش از دنیا رفته بود." سطحیات عرفان را می‌توان در این راستا بررسی کرد. سطح، حکم متناقض نمایی است که ظاهراً غریب و نامأнос و نامعقول است. چنین سخنانی در اوج وجود و مستی بر زبان جاری می‌شود. قصد عرفان از بیان چنین جملاتی قطعاً ظاهر آنها نیست بلکه باید عمق و باطن آنها را جستجو کرد.

از دیگر تفاوت‌های موجود بین عرفان و اخلاق موضوع اعتدال است. پایه و اساس اخلاق ارسطوی "قانون زرین اعتدال" است. در این قانون هر فضیلتی دو سو دارد یک جنبه افراط و جنبه دیگر تغیریت است که هر دو رذیله به حساب می‌آیند و آنچه نقطه اعتدال و حد وسط باشد فضیلت می‌باشد. مانند جبن و تھور که هر دو رذیلت است و شجاعت به عنوان حد وسط فضیلت به حساب می‌آید.

اما در عرفان عموماً از حد اعتدال خارج می‌شوند. برای نمونه یکی از محورهای چهارگانه طریقت اکبریه منسوب به شیخ اکبر ابن عربی، جوع (گرسنگی) است. سالک تا نتواند دل از حوائج مادی برهاند و تا گرسنگی نکشد نخواهد توانست در مسیر سیر و سلوک به جایی برسد.



حساب امانات میعادی

در این حساب مشتریان می توانند سرمایه خود را برای یک مدت ثابت جهت به دست آوردن مفاد بیشتر سرمایه گذاری نمایند. دارندگان این حساب می توانند مفاد حاصله را هر سه ماه دریافت و یا به سرمایه اصلی خود اضافه نمایند.



از منافع هنگفت حساب میعادی غضنفر بانک مستفید شوید

زندگی سیاسی علامہ اقبال

معاون سرمحقق محمد اسلام افضلی
اکادمی علوم

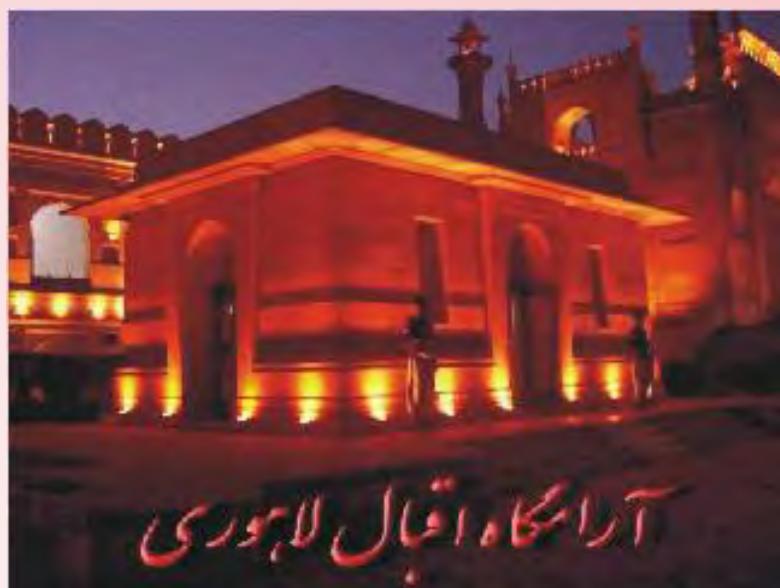
محمد اقبال لاہوری یکی از چہرہ های فکری و انسانی درخشنان شیہ قارہ ہند است۔ این چہرہ پژوهشگر، متفکر، نویسنده، سیاستمدار، ادیب و شاعر فارسی گوی شیہ قارہ زمانی بہ شهرت دست یافت کہ مسلمانان و کشور ہائی منطقہ در اوج انحطاط و عقب ماندگی بسر می برند۔ اقبال از این نا بسامانی ہا، انحطاط و نفاق مسلمانان و جہان اسلام رنج می کشید و علاقہ مند نجات مسلمانان از این حالت رقت بار بود۔ اقبال در زمانی می زیست کہ امپراتوری عثمانی کہ مرکزش در ترکیہ بود، پس از چندین صد سال جلال و عظمت مضمحل شده بود، در ہند انگلیس حکومت می کرد۔ در ترکستان شرقی و غربی استعمار مسلط شده بود و مصر و الجزایر زیر تهدید انگلیس و فرانسہ قرار داشت۔ در چنین اوضاع و شرایط اقبال نمی توانست بی تفاوت باشد۔ بنا به گفته دکتر علی شریعتی: «اقبال ہمچون مولانا عشق می ورزید و ہمچون ناصر خسرو برای ایمانش می سرو و ہمچون سید جمال الدین افغان برای رہایی ملت ہائی مسلمان با استعمار مبارزہ می کرد۔ اقبال مرد دین و دنیا، ایمان و دانش، عقل و احساس، فلسفہ و ادب، عرفان و سیاست، خدا و مردم، پرستش و جہاد، عقیدہ و فرهنگ، مرد دیروز و امروز، مرد تفکر فلسفی و علمی و هم مرد سیاست و اندیشیدن بہ سرنوشت جامعہ بود۔»^(۱)

مختصر اینکہ اقبال در ہمه ابعاد زندگی، عالیترين تجلی را عالیترين تجلی را داشته است و می توان از وی بہ عنوان مصلح بزرگ اجتماعی نام برد کہ ہمه مساعی و تلاش ہائی سیاسی خود را جھت ہمبستگی جہان اسلام و مبارزہ با استعمار بہ کار برد۔ از مطالعہ اسناد تاریخی بر می آید کہ در اندیشه اقبال سیاہ و سفید، سرخ و زرد، ابرانی و افغانی، هندی و ترک و عرب تفاوت ندارد و روی سخن وی با ہمہ آنها است۔ روی ہمین اصل بود کہ افکار بلند و اندیشه عالی و پر تحرک اقبال، مردم زیر ستم را بہ مبارزہ طلبی و سرانجام زنجیر ہائی استعمار را گسست۔

علامہ اقبال بہ کشور ہائی اسلامی امید فراوان داشت و در آرزوی آزادی، پیروزی و موفقیت ہرچہ بیشتر آنها بخصوص ملت و دولت افغانستان بود و آزادی ملت افغان را از اسارت انگلیس بہ دیده قدر می نگریست و استقلال کشور ما را برای آیندہ مسلمانان قارہ بہ فال نیک گرفته بود و بطور خاص چشم امید بہ این کشور و مبارزات آن داشت و روی ہمین آرزومندی کتاب (بیام شرق) خود را بہ اعلیحضرت امام اللہ خان بانی استقلال افغانستان ہدیہ کرد و پس از آن محمد نادر شاہ را بہ شجاعت و دلیری تشویق می کرد و از شاہان با اتوریتہ افغان مانند سلطان محمود غزنی و ظہیر الدین محمد بابر شاہ و احمد شاہ ابدالی تقدیر بعمل می آورد۔^(۲)

علامہ اقبال در سن ۵۳ سالگی در سال ۱۹۲۶م بطور فعال وارد عرصہ سیاست گردید و در مبارزات اجتماعی فعالانہ سهم گرفت۔ ورود علامہ اقبال بہ صحنة سیاست با شرکت وی در انتخابات شورای قانون گذاری پنجاب در سال ۱۹۲۶م ہمراہ بود کہ در آن برگزیدہ شد و مدت ۳ سال عضو آن شورا بود (۱۹۲۷ – ۱۹۳۰)۔

در سال ۱۹۳۰ علامہ اقبال بہ ریاست اجلاس مسلم لیک در الہ آباد برگزیدہ شد و ہم زمان ریاست کنفرانس احزاب اسلامی لاہور را نیز بہ عہدہ داشت۔



آرائیہ اقبال لاہوری



از آغاز ورود اقبال به عرصه سیاست، طرح استقلال مسلمانان شبه قاره هند و بنیان گذاری یک دولت مستقل اسلامی در شمال هند در ذهن او شکل گرفت و روی همین موضوع بود که با همکاری های سیاسی مسلمانان و مسلم لیک با کنگره هند مخالفت ورزید (۳) وی در سال ۱۹۳۰ - ۱۹۳۲ م در دومین و سومین کنفرانس لندن که درباره حل مسایل داخلی هندوستان تشکیل شده بود، شرکت کرد و از حق مسلمانان و آزادی هند سخن گفت. در این سفرها اقبال از پاریس و ایتالیا نیز دیدار بعمل آورد و با نویسندها و سیاستمداران به گفت و گو پرداخت. نامبرده در سفری به هسپانیا از بناهای تاریخی این کشور دیدن کرد و در مسجد مشهور قربه نماز گزارد. سفر علامه اقبال به مصر و دیدار وی با جمعیت ها و شخصیت های دینی و سیاسی، مانند شیخ مصطفی الراغی شیخ الاظهر، علی عبدالزالق و نحاس پاشا نیز در جمله فعالیت های سیاسی علامه اقبال از اهمیت مهمی برخوردار است. پس از آن و از آنجا اقبال به بیت المقدس رفت و در کنفرانس اسلامی قدس شرکت و سخنرانی نمود. در سال ۱۹۳۳ م به دعوت محمد نادر شاه پادشاه افغانستان، همراه گروهی به کابل سفر کرد تا در بهبود وضع دانشگاه کابل و اصلاح نظام آموزش و پژوهش همکاری نماید. در سال ۱۹۳۶ م که حزب مسلم لیک پنجاب به فعالیت تازه آغاز کرد، اقبال بار دیگر به سمت رئیس ایالتی آن برگزیده شد و به فعالیت های سیاسی خود ادامه داد.(۴)

علامه قبال همچون سید جمال الدین افغان طرفدار و پرچمدار داعیه اتحاد اسلام (بان اسلامیزم) بود و ناسیونالیزم را دامی می دانست که استعمار گران برای انحراف مسلمانان از وحدت و اتحاد گسترده اند، در ضمن خواستار اتحاد جهان سوم است و می گوید آنچه در کشور خود دارید و تولید می کنید از آن بخورید و بنوشید و بفروشید و محتاج و دست نگر اجانب نباشد.

آنچه از خاک تو رُست ای مرد حُر

و ادامه می دهد: کشور های اسلامی باید با هم تجارت نمایند و ساخته ها و تولیدات کارخانه های یکدیگر را بخربند و از غرب دوری جویند.

اقبال به اقوام و ملل جهان سوم توصیه می نماید که معتقد به وحدت اسلامی باشند و به اقوام و کشور های استعماری متکی نباشند و از امکانات و داشته های مادی خود به طور کامل استفاده نمایند و تجارت ذات البینی داشته باشند. برای جلوگیری از ظلم و بی عدالتی استعمار سیاسی و اقتصادی، اقوام جهان سوم را به ایجاد یک اتحادیه و جمعیت واحد، بدور یک مرکزیت واحد تشویق می نمود.(۵) و ضمن آنکه از نفوذ استعمار در ایران، ترکیه، جهان عرب و ترکستان انزواج عمیق داشت و خواستار استقلال و پایان دادن به حاکمیت استعمار در این کشورها بود (۶)، توجه ویژه به افغانستان داشت و خواستار مباردت ملت افغان به آموزش و فراگیری علوم و فنون بود تا از آن طریق به اکتشاف و خود کفایی دست یابند و می سراید:

این دو قوت اعتبار ملت است
برگ و ساز ما کتاب و حکمت است

آن فتوحات جهان ذوق و شوق

علامه اقبال ضمن آنکه علاقه مند استقلال کامل کشور های اسلامی از زیر حاکمیت وحشتتاک سیاسی - اقتصادی و فرهنگی غرب بود و از ضعف و انحطاط مسلمانان رنج می برد، از اختلافات و گروهگرایی و عشاير گری و جنگ داخلی شان نیز سخت متأثر و نا راحت بود و از اینکه در خواب غفلت به سر می بردند و مسؤولیت خود را نمی شناختند و از توطیه ها و دسایس شوم غرب و سایر اقتصادی گران آگاه نیستند، هوشدار می دهد و ایشان را از یاس و نا امیدی بر حذر می دارد و به کار و پیکار فرا می خواند.

اقبال فراگیری علم و تکنالوژی را جهت تسخیر کائنات توصیه می کند و ملت شدن را بهترین وسیله نجات جامعه از عقب ماندگی می داند و شجاعت و دلیری افغان ها را می ستاید، اما از اختلافات و پراگندگی و جنگ داخلی و عشاير گرایی و قبیله گرایی افغان ها نالان و ناراحت بود. از اینکه افغان ها تن به اسارت و بندگی نمی دهند و در مقابل هر متجاوز دست به مبارزه و دفاع از وطن می زند خوشنود است و علاقه مندی زیاد خود را نسبت به افغان ها اظهار می دارد.

از آن جاییکه افغانستان یگانه کشور اسلامی در منطقه بود که زیر اسارت و بردگی استعمار نرفته و در چندین جنگ در برابر متجاوزین پیروز شده بود، چشم امید مردمان و کشور های زیر استعمار منطقه به سوی آن بود. و از اینکه افغانها با شجاعت و دلیری استقلال خود را حصول نموده بودند و از نظر سوق الجیشی و جیواکونومیک حیثیت شاهراه و گذرگاه را داشت و در قلب آسیا کسب موقعیت نموده بود علامه اقبال انحطاط و اضمحلال آسیا را به انحطاط و اضمحلال افغانستان و ترقی و پیشرفت آسیا را به ترقی و پیشرفت افغانستان مربوط می دانست و چه زیبا سروده است:

آسیا یک پیکر آب و گل است
ملت افغان در آن پیکر دل است

از فساد او فساد آسیا از گشاد او گشاد آسیا (۸)

اقبال معتقد بود تا ملت افغان، این دل پیکر آسیا آزاد نباشد تن آزاد نگردد.

ورنه کاهی در ره با دست تن (۹)
تا دل آزاد است آزاد است تن

اقبال از جوانی تا پختگی به افغانستان مردمش و زبان فارسی عشق و علاقه داشت و روح آزادمنشی تاریخ پر از شکوه و جلال و افکار فلسفی و عرفانی این سرزمین همیشه مورد تمجید و تقدير او بود که در اشعارش این علاقه مندی بازتاب یافته است و از همین جاست که طی نیم قرن در مطبوعات افغانستان از مقام علمی، ادبی، فلسفی و اجتماعی اقبال تجلیل به عمل می آید و مردم این سرزمین او را از دوستداران خود می دانند.^(۱۰)

محترم اسدالله محقق در اثر خویش از قول علامه صلاح الدین سلجوچی یکی از ارادتمدان علامه اقبال که زمانی در کراچی سر قونسلی افغانستان را به عهده داشت می نویسد: «قبل از اینکه با اقبال از نزدیک آشنا شوم، نام وی بر سر زبانها بود و شهرت زیادی داشت. روزی در کراچی در محفلی نشسته بودم، سر و صدای مردم بلند شد که دکتر اقبال آمد. دکتر اقبال آمد. دیدم جوان وجیه و نیرومند و با هیبت، وقتی از نزدیک من می گذشت، پرسیدم: علامه اقبال شما هستید؟ و زبان فارسی را چگونه و از کجا یاد گرفتید و اهل کجا یید؟ اقبال توجهی نکرد و با بی اعتنایی از نزد گذشت. پس از سه دقیقه دوباره نزدم آمد و ورقه ای کوچگی را به دستم داد، خواندم که در آن فی البدیهه چنین سروده بود:

نی افغانیم و نی ترک و تخاریم
چمنزاریم و از یک شاخصاریم
تمیز رنگ و بو بر ما حرام است
که ما پرورده ی یک نو بهاریم^(۲)

وقتی این شعر اقبال را خواندم به عظمت و بزرگی او بیش از پیش پی بردم و بعد از آن با هم دوست صمیمی شدیم تا آخر عمر با هم روابط همکاری داشتیم. روحش شادباد.

در اخیر باید گفت نهضتی را که سیاستمدار بزرگ سید جمال الدین افغان آغاز نموده بود، اکنون در مسیر تکامل خود به اقبال رسیده بود که با فکر توانا می کوشید مردم را از خواب غفلت بیدار کند، که نمونه آن کتاب (اسرار خود) و در پیوند به آن طرح بیخودی اقبال است.
و من الله التوفيق

ماخذ:

۱. علی شريعی، حسینیه ارشاد، دفتر تدوین و انتشار مجموعه آثار دکتر شريعی، چاپ اول، ۱۳۵۷، ص ۱۲.
۲. جاوید اقبال، جاویدان اقبال، ترجمه و تحریه: دکتر شهین دخت کامران مقدم صفیاری، اقبال اکادمی، لاھور: ۱۹۸۷، ص .
۳. حسن انوش، دانشنامه ادب فارسی، جلد ۴، چاپ اول، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، تهران: ۱۳۸۰، ص ۲۳۳.
۴. همان اثر، همان صفحه.
۵. اسدالله محقق، علامه اقبال در ادب فارسی و فرهنگ افغانستان، مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان، اسلام آباد: ۱۳۸۴، صص ۲۰-۲۱.
۶. غلام رضا ستوده، در شناخت اقبال، مجموعه مقالات، چاپ اول، تهران: ۱۳۶۵، ص ۱۲۷.
۷. اسدالله محقق، علامه اقبال در ادب فارسی و فرهنگ افغانستان، مرکز تحقیقات فارس ایران و پاکستان، اسلام آباد: ۱۳۸۴، ص ۳۳.
۸. جاوید نامه، کلیات فارسی اقبال، ص ۲۶۹.
۹. همان اثر، همان صفحه.
۱۰. اسدالله محقق، علامه اقبال در ادب فارسی و فرهنگ افغانستان، مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان، اسلام آباد: ۱۳۸۴، ص ۵۱.
۱۱. همان اثر، ص .

آسیا یک پیکر آب و گل است
ملت افغان در آن پیکر دل است

از فساد او فساد آسیا
از گشاد او گشاد آسیا



جمله های طلایی

(گاهی یک جمله می تواند انسان را دگر گون سازد)

گردآورنده : مرسل

قسمت هشتم

آزادی و استقلال

- نخستین لازمه شرافت یک ملت استقلال است.
- استقلال ملت ها را فقط با فضایل و اخلاق عالیه می توان محفوظ داشت.
- حافظ نگهبان استقلال هر ملتی شجاعت و قهرمانی اوست.
- هرگاه می خواهید آزاد باشید باید پرسش حقیقت را پیشه خود سازید.
- هر چه قفس تنگ تر باشد، آزادی شیرین تر به نظر می رسد.
- فراموش نکن قطاری که از ریل خارج شده، ممکن است آزاد باشد ولی راه به جائی نخواهد برد.

شخصیت

- زندگی خود را با هیچ کسی مقایسه نکنید شما نمی دانید که بین آنها چه می گذرد.
- افکار منفی نداشته باشید، در عوض انرژی خود را صرف امور مثبت کنید.
- بیش از حد توان خود کاری انجام ندهید.
- انرژی خود را صرف دخالت در امور دیگران نکنید.
- وقتی بیدار هستید بیشتر خیال بردازی کنید.
- حسادت یعنی اتلاف وقت، شما هر چه را که باید داشته باشید، دارید.
- گذشته و اشتباهات آن را فراموش کنید. این کار آرامش زمان حال شما را از بین می برد.

- هیچ کس مسؤول خوشحال کردن شما نیست، مگر خود شما.

خرد

- کسی که خرد ندارد همواره از کرده های خویش پشیمان و در رنج است.
- بی خردی اسارت به دنبال دارد و خرد موجب آزادی و رهایی است.
- خداوند درهای هنر را بر روی دانایان دادگر گشوده است.
- دانش ارزش آن را دارد که به خاطر آن رنج ها بکشی.
- چراغ مایه دفع تاریکی است، بدی جوهر تاریکی در زندگی آدمی است، که از آن دوری باید جست.
- از رنج منتهی به گنج خودداری مکن.
- خواسته های خود را هوشمندانه بخواهید.
- اگر می خواهید موفق شوید دقیقاً به خواسته های خود توجه کنید زیرا همین قدم اول برای هر آنچه انجام خواهید داد کافی است.
- هرگز فقط علاقه مند رسیدن به موفقیت نباشد بلکه همواره به دنبال انگیزه ای پایدار و جاویدان باشید.
- همواره اشتیاق را در زندگی خود افزایش دهید.
- با افراد موفق همتشینی کنید.
- خود را عادت دهید همواره تصمیم بگیرید.

موفقیت

- معیار اصلی کیفیت عملکرد شما به عنوان یک انسان ، میزان عزت نفس شمامست.
- گفتگوی درونی خود را کنترول کنید. همیشه با خودتان مثبت و قاطعانه صحبت کنید.
- اراده کنید که استاد تحول باشید نه قربانی آن.
- پیشرفت شما در زندگی همیشه با بهبود تصویر ذهنی شما آغاز می شود.
- بر بلندی کوهها نمی توان غالب شد ، مگر از طریق جاده های پر پیچ و خم.
- انسان آفریننده سرنوشت خویش است.
- همیشه به یاد داشته باشید که مهم ترین چیز در کار و روابط خانوادگی صداقت است.
- زیباترین حکمت دوستی ، به یاد هم بودن است ، نه در کنار هم بودن.
- اگر یک روز هیچ مشکلی سر راهم نبود ، می فهمم که راه را اشتباه رفته ام.
- زندگی کتابی است پر ماجرا ، هیچگاه آن را به خاطر یک ورقش دور نینداز.
- بیا لبخند بزنیم بدون انتظار هیچ پاسخی از دنیا.
- فکر کردن به گذشته ، مانند دویدن به دنبال باد است.
- شاد بودن تنها انتقامی است که می توان از دنیا گرفت ، پس همیشه شاد باش.



بانکداری از طریق پیام کتبی (SMS Banking)

مشتریان غضنفر بانک می توانند از طریق موبایل (روشن و افغان بیسیم) به امکانات زیر دست یابند:

- از بیلانس حساب شان مطلع گردند.
- سه معامله آخر خود در غضنفر بانک را نظارت و بررسی کنند.



طریقه استفاده :

برای نشان دادن بیلانس حساب تان این پیام کتبی را (BAL) به شماره ۲۲۵۵ ارسال کنید.



برای آگاهی از سه معامله آخر تان در غضنفر بانک این پیام کتبی را (TRAN) به شماره ۲۲۵۵ ارسال کنید.

یادداشت: برای دسترسی به این خدمات باید شماره موبایل خویش را ثبت نمایید.

غضنفر بانک در موبایل شما

خجالت بکشین(طنز)

نفیسه خوشنصیب غضنفر

جواب خدا را چه می گین؟ امتحان او دنیا را چطور می تین ها؟! فرشته های موظف که اعمال ما را می نویسنده، فلمبرداری نیز می کنند!... بلی با کمره های بسیار مدرن که تا کنون هیچ مملکتی موفق نشده آن را بسازد و بعد آن را در ویدیوهای بسیار حساس و تلویزیون هایی که پرده آن برابر غازی استدیو است، برای جهانیان نمایش می دهند. فهمیدید؟ دل تان فقط هوشدارتان دادم.

علم دینیات ما این گونه سخنرانی می کرد، بعد از آن سر به گریبان می برد، گویا این حرف ها را با خودش تکرار می کرد. او از آخرت بسیار می ترسید، از ما کرده زیادتر می ترسید. چند لحظه غمگین می ایستاد، بعد دستکول خریطه مانندش را می گرفت و صدای تدقیق بوت کری بلندش در صنف می پیچید.

ما در حالی که یک نوع غم ناشناخته یا رقت عجیب قلب های جوان ما را فرا می گرفت. کتاب های تفسیر شریف را آهسته و با اختیاط جمع کرده و در بکس های خود می گذاشتیم و به ادای احترام سرافکنده، در حالی که با گوشه چشم او را می نگریستیم، از جا برمی خواستیم. تنها حرفری که در مغز ما جای می گرفت و برای همیشه باقی می ماند، فقط ترکیب دو کلمه، ترکیب تکان دهنده ادبی معلم دینیات بود: خجالت بکشین!

همین که معلم می رفت اول نمره طبق معمول به طبله زدن به روی میز شروع می کرد و ما مثل هر روز «سر» پیدا می کردیم و با کف زدن منظم به یک آواز می خواندیم:

دم دم درم درم — دم دم درم

گاهی آنقدر مصروف خواندن این گونه تصنیف ها که اکثراً چاریتی ها هم در آن شامل بودند، می شدیم که تقریب به پایان می رسید و معلم تاریخ، کسی که همیشه از گذشته و گذشته ها گفته و مرده ها را در گور آرام نمی ماند، با اعصاب خراب داخل صنف می شد و می گفت: خجالت بکشین. به راستی که در آن لحظه حساس، کمکی خجالت می کشیدیم، مثل امروز! اما امروز زیاد خجالت کشیدیم، بسیار زیاد دیگه!...

امروز ما، یک گروپ دختر های تحصیل کرده و عصری به خانه همکار ما که خسرو دختر خاله اش فوت شده بود، فاتحه رفته، وقتی نشستیم و چهره های حق به جانب یعنی جگر خون به زوری را به خود گرفتیم، یکی از همکارانم رو به من نموده گفت: گل مهره جان، خی یک آیت بخوان!

... دق ماندم، به ته پته افتادم، گفتم: چهار قل را بخوانم؛ چون من از دوره طفیلت تا جوانی فقط همین را یاد داشتم که در مکتب خانگی به ضرب چوب آموخته بودم. همکار ما دلبر جان که از همه کلانتر و دانسته تر بود، گفت: نی، آیت الکرسی را بخوان ... ای لعنت بر سرتو کته بد دول. اعصابم را خورد کرد. چون می دانست که من آیت الکرسی را یاد ندارم، در گردابی گیرمانده بودم، مگر خود را بدينگونه نجات داده گفتم، مه خو گلو درد هستم، خی خودت بخوان! فاتحه داران و فاتحه دهنگان همه دستمال های بزرگ را در دهن گرفته بودند و الق لق می دیدند و منتظر ختم فاتحه دادن ما بودند تا غیبت را شروع کنند.

دلبر با شنیدن جمله آخر من رنگ از رخش پرید، مگر با چالاکی و تیز زبانی و جرأت رشته سخن را این گونه در دست گرفته گفت: دلخواه جان قندول! از طرف کل همکارا بربیت می گم زندگی سرت باشه! خداوند خشونی دختر خاله ات را زنده داشته باشه! ... همه دست بلند کرده آمین گفتیم. وقتی از آنجا برگشتم در طول راه سخنان صفیه جان معلم دینیات دوره مکتب به یادم آمد که خودش کلمه طیبه را از کلمه شهادت نمی توانست فرق کند، اما همیشه در برابر هر کدام ما این سوالات را مطرح می کرد:

- پدرت مسلمان است؟
- بلی!
- در افغانستان که یک مملکت اسلامی است تولد شده ای؟
- البته!

بعداً می گفت: پس خجالت بکش! رو به طرف صنف می کرد و می گفت: خجالت بکشین! و پس از مکثی علاوه می کرد: در این دنیا، خوب، خیر، به طور مثال مه نمره می تم، کامیاب می شین. اما



بی عنوان (طنز)

نوشته: نجیب نجوا

لحظه مکث می کند و با سرعت توصیف ناپذیر می دود. موزیک بلند از خانه ما شنیده می شود. تعجب می کند و با خود می گوید.

- "عجب اس ده خانه که مرده شوه به عوض گریه و ناله خودشان، تیپ شان ناله می کنه."
- در را می زند و بعد داخل حویلی می شود. مادرم نان می پزد. معلم جمیله با صدای بلند می گوید:
- "الای شکر که تره زنده می بینم تو نمردی؟"
- مادرم بی درنگ تعجب می کند.
- "جمیله جان! چی شده که ای گپاره می زنی؟"
- "ای خوارجان! هیچ پرسان نکو، ای بچیت امروز دل از دل خانیم جدا کد. امی که سات سوم به مکتب آمد به مه گفت که مادرم مرده مره رخصت بتی. مه هم وارخطا شده اینجه دویده دویده آدم که تره چی شده خدا ره شکر که سلامت استی."
- لبان مادرم را خنده عجیبی فرا می گیرد و بعد می گوید:
- "خاک ده سر اتو اولاد که روز ده دفعه به خاطر رخصتی گرفتن- مادر و پدر، برادر و خوارای شان می کشن. ای نامراد همیشه امی تو می کنه."
- مادر بزرگم سرش را از کلکین خانه کشیده به مادرم می گوید.
- "دختران! چی گپ اس که سال یک تا اولاد می زایی.
- تربيه داده که نمی تانی نزای، جبر خو نیس. مستی های شب جمعه را کم کو. شما به خدا مثل ماشین جوجه کشی شدین. شورخوردین می زاین. زمین که زیاد بکاری حاصل خوب نمیته. نشنیدی که "میگن کم بزای محکم بزای..."."

فضای اتاق تاریک است. کاغذ سفید است. خواب بالای چشمانی غلبه می کند. تصاویر از دیده گانم ناپدید می شوند. قلم از میان پنجه هایم می افتد و نمی توانم بنویسم.

کاغذ و قلم آماده است. تصمیم جدی نوشتن را ندارم. نویسنده نیستم که شیوه های نوشتن را بلد باشم. فضای اتاق را چادر سیاه شب فرا گرفته است. دست زیر الاشه گذاشته چرخ می زنم. تصاویر کنده کنده مکتب پیش چشمانم مجسم می شوند: زنگ ساعت سوم مکتب به صدا می آید. شاید ده ساله بودم. مادرم ساک مکتب را در تخته پشتمن محکم بسته است. مسیر مکتب را در پیش می گیرم. ساک را در "چپ راسی" مکتب می سپارم. همبازی هایم در کوچه انتظار مرا دارند. ذهنم مشغول جستجوی چیزی است، فرمان می دهد که (موهايت را نامرتب کن و مقدار لاعاب دهن را در زیر خطوط چشمانت بمال) فرمان ذهن را انجام می دهم.

علم جمیله که وظیفه سرمهعلمی را به عهده دارد وضعیت مکتب را بررسی میکند اقارب نزدیک ماست، مرا می بیند و صدا می زند. "أبچه بیانجه چرا ناوقت آمدی؟"

خاموش استم.

- "أبچه چرا گپ نمی زنی گنگه استی چرا ناوقت آمدی؟"

با زهم خاموش استم. خشم من بیشتر می شود.

- "حوصله مه تنگ کدی بگو که چی گپ شده."

- "ملیم صاحب! امروز رخصتی بتین کار عاجل دارم"

آبرو انش درهم و برهم می شود.

- "برو ده صنفت رخصتی مختصتی نیس"

- "ملیم صاحب!....."

"گفتم نمیشه برو اگه نه با چوب رخصتی میتم ته" جدی تر می شود و رخصتی نمی دهد. لحن صدایم را شبیه گریه می سازم.

- "ام ام ام ام... ملیم صاحب ده خانه ما مرده شده"

- "کی مرده؟"

- "مادرم"

- "أبچه دروغ خونمی گی"

- "نی به خدا جان که راست می گم"



شهردار لایق (طنز)

نویسنده: عزیز نسین
ترجمه: حکیم باشی

رحیم خان: استغفارالله، ما چیکاره هستیم. فعلاً شما صحبت کنید.
بشير خان که سه دوره ریاست انجمن شهر را عهده دار بود با ناز و کرشمه خاصی روان شد و مردم را مورد خطاب قرار داده و گفت:
هموطنان عزیز! سه دوره ریاست انجمن شهر را به من التفات کردید منهم با مساعدت خودتان تا آنجا که توانستم این وظیفه را با شایستگی به پایان رساندم. اکنون در آستانه انتخابات جدید هستیم، نمی گوییم باز هم مرا انتخاب کنید زیرا از کار زیاد، خسته شده ام ولی با اصرار همشهريان گرامی آماده خدمت مجدد شدم. حال میل شماست که باز هم به من افتخار خدمت می دهید یا به دیگری (با گوشه چشم به رحیم خان اشاره کرد) به هرحال می خواهیم در باره اینکه یک شهردار و رئیس انجمن شهر باید چه شرایط و وظایفی را عهده دار باشد با شما صحبت کنم.

در درجه اول یک نفر شهردار باید، تجربه آموخته، استخوان دار و وزیده باشد.(به استثنای این دو نامزد رقیب، باقی اعضاء عموماً جوان بودند) این کار مشغله ای خسته کننده و عذاب آور است به همین مناسبت نیز کسانیکه موهای سرشان ریخته و صاحب دندانهای

قرار بود انتخابات انجمن شهر جریان پیدا کند. اعضای بر جسته دو حزب در دو طرف روبروی هم نشسته بودند، تبلیغات در خانه ها، قهوه خانه ها، کوچه ها و بازارها خاتمه یافته و کار به سخنرانی در میدانهای عمومی رسیده بود. "بشيرخان" افسر بازنیسته و "رحیم خان" مغازه دار با هم رقبای انتخاباتی بود.

بشير خان که سالهای سال دیسپلین دیده، فرمان داده و فرمان شنیده بود، روال خاصی داشت و این روزها کار و کاسبی خود را با استفاده از اطلاعات مدرن آغاز کرده و با یک اشاره حساب دخل و خرج خود را تعیین و بررسی می کرد. از تنها مكتب ابتدائیه دهکده (که اولین تقاضای مردم شناخته شدن آن به عنوان "لیسه" بود). یک میز آورده در وسط میدان یک گیلاس و یک جگ آب هم روی آن گذاشته بودند.

دو رقیب پهلوی هم پشت میز ایستاده به نوبت سخنرانی می کردند. اول از همه وقتی بشير خان پشت میز رفت با لحن بخصوصی خطاب به رقیب خود گفت:- بفرمائید "رحیم خان" اول شما صحبت کنید.





چوب تعییمی در دست و ثانیاً یک عینک روی دماغ داشته باشد(مردم از خنده شکم درد شدند).

اسم رئیس انجمن شهر باید "بشير" باشد.

رحیم خان از پشت میز پائین آمد. مردم در حالیکه از خنده دست روی شکم گذاشته بودند قهقهه می زدند و بشیر خان هم گوشه های بروت خود را می جوید.

قرار بود این برنامه، روز بعد عیناً تکرار شود.

روز بعد عده ای که پای میز بشیر خان جمع بودند تعدادشان از هواداران رحیم خان بیشتر بود . بشیرخان نزاکت سیاسی را مطلقاً کنار گذاشته از وصله های لباس و طرز آرایش سر و صورت رحیم خان صحبت می کرد، تا حدی که قضیه سفاهت و حماقت و نفهمی رحیم خان دهان به دهان گشت. روز بعد دو برابر روزهای قبل در میدان ازدحام برپا شده بود. اول بشیر خان با عصبانیت وجدیت و قدمهای شمرده پشت میز رفت و چنین گفت:

هموطنان، اکنون دیگر مجبور هستم پرده ها را کنار زده قفل از دهان بردارم.

آیا کسی هست نداند این مرد در دوران کلانتری خود چه بلاهایی برسر مردم آورد؟ اگر خاطرтан باشد تا چند سال قبل هر کس از هر جا به این دهکده پا می گذاشت مستقیماً به منزل او می رفت، علت این کار چه بود؟ علت این بود که "مسعوده خانم" دو شبانه روز در باغ پشت منزلش برای مهمانان می رقصید!

دهاتیها: همینطور است... کاملاً صحیح است.

- هموطنان! آیا اطلاع دارید آنچه به عنوان فطریه در سالهای گذشته از این و آن دریافت می کرد، به جیب کی می رفت؟ آیا می دانید این مرد که امروز خود را نامزد ریاست انجمن شهر کرده چهار زن به خانه خود آورده است؟

صدای بلند تر شد: - هموطنان عزیز این شخص قبل از آنکه کلانتر شهر شود جز یک دکان مغازه داری کوچک چیز دیگری نداشت و همه می دانید چگونه در عرض ده سال صاحب نصف این دهکده شده است.

صدای چند نفر به طور مسخره آمیزی از میان جمعیت به گوش رسید:

- شاید لیاقت و توانائی داشته!

مصنوعی، بدن فرسوده، دست و پای لزان و لاغر هستند مناسبی برای این کار ندارند. (رحیم خان مغازه دار، چهارده سال از بشیر خان بزرگتر بود. موهای سرش ریخته و دندانهای مصنوعی داشت) (بشیرخان پنجاه و دو ساله بود). اگر کسی را انتخاب کنید که اطلاعاتی در امور نظام وظیفه و قوانین و مقررات کشوری نداشته باشد نمی تواند کاری برای شما انجام دهد. (در سراسر دهکده احدي به اندازه او از امور نظام اطلاع نداشت و کسی نمی دانست قانون چگونه چیزی است؟ پوشیدنی یا خوردنی).

من نمی گوییم مرا انتخاب کنید ولی توصیه می کنم دقت کنید و متوجه باشید کسی که سواد کافی ندارد، انتخاب نشود (رحیم خان سواد نداشت و حساب درآمد و خرج مغازه داری را با فکر و چرت حل می کرد).

رئیس شهرداری از تمام اداره ها دیدار می کند، اگر کسی را انتخاب کنید که در تمام عمر خود یک بار نکتابی نزد، دریشی نپوشیده و یا پتلونش اتو نشده باشد. آبروی دهکده ما را خواهد برد.(در دهکده غیر از بشیر خان احدي نکتابی نمی زد و پتلون اتو شده نمی پوشید).

چه خوب که کلاهش هم مثل کلاه من باشد(کلاهش را برداشته به مردم نشان داد) من نمی گوییم مرا انتخاب کنید ولی سفارش می کنم که رئیس انجمن شهر شما باید دارای مشخصاتی باشد که یادآوری کردم.

بشیرخان میز خطابه را ترک کرد. افرادی که دور تا دور میدان دهکده گرد آمده بودند ضمن کف زدن های ممتد فریاد زدند:

- کاملاً صحیح است، حق با بشیر خان است ...

نوبت به رحیم خان رسید. پشت میز آمد و شروع به صحبت کرد:

- آقایان من نمی توانم مثل نیشه همه اش را طرف خودم بریزم، بشیر خان همه چیز را به شما بیان کرد (اشاره به رقبی) عقیده دارم رئیس انجمن شهر باید دندانهای ثناپیش طلائی باشد(دندانهای ثناپیش بشیر خان طلائی بود).

باز هم اشاره به او کرد.... چشم رئیس انجمن شهر حتماً باید زاغی باشد. (جماعت شروع به خنده و قهقهه کردند).

با انگشت برای سومین بار اشاره به بشیرخان کرد:

روی گونه چپش هم یک خال داشته باشد (بشیرخان از شدت ناراحتی مثل لبلو سرخ شد) رئیس انجمن شهر مثل این مومن، اولاً باید یک

- ای مردم، کی می دانه نتیجه چی می شه؟
- آخر دوصد و پنجاه هزار مزرعه و دوصد گوسفند شما کجاست؟ تو از پدرت فقط یک جفت گاو ارت برده بودی... تو کی "مسعوده خانم" را برای مهمانات رقصاندی؟

رحیم خان به تمام این گفته ها چنین جواب داد: - باید ای مردم برویم نتیجه انتخابات را نظارت کنیم.

انتخابات به انجام رسید. بشیر خان باندازه یک چهارم رحیم خان هم رای نداشت. دهاتیها یکه برای رای دادن می رفتد به همدیگر می گفتند:

ما جاده لازم داریم، آب لازم داریم، تراکتور لازم داریم، تخم اصلاح شده لازم داریم این بشیر چه خیری برای دهکده داره؟... احمق هیچی نداره، اصلاً راه زندگی را بلد نیس، حتی از رقصاندن یک زن عاجزه، راه و رسم پذیرایی را از یک مهمان نمی دانه، کاری از او ساخته نیس، رای تان را به رحیم خان بین.

از آن سال به بعد کسانیکه در مبارزات انتخاباتی نامزد می شدند ضمن سخنرانیهای خود چنین اظهار می داشتند:

- هموطنان! پنجصد گاو شیری، چهار جفت گاو قلبه بی و چهار زن شرعی دارم، صاحب پنجصد مزرعه هستم و امکانات خوب و مناسبی برای پذیرایی از مهمانان دارم. تمام این مزايا را فقط طی شش ماه در سایه لیاقت و کاردانی خود دست و پا کرده ام.

- هموطنان، حقایق شنیدنی دیگر زیاد هست، اما من بیش از این حرفى نمی زنم و اکنون دیگر بستگی دارد به میل شما که او را یا مرا انتخاب کنید.

صدای یک کف زدن ممتد در میدان پیچید. نوبت از رحیم خان مغازه دار بود وی در حالی که لبخند می زد سنگین سنگین طرف میز خطابه روان شد و مثلی که در کافی لی حرف می زند با ارامش و خونسردی شروع به صحبت کرد: هرچه بشیر خان گفتند البته صحیح است. نه یک وجب زمین دارد و نه یک جفت گاو، آدمی بسیار متدين، ده پیسه اندوخته هم ندارد. اگر یک شب تصادفاً مهمان ناخوانده ای به خانه اش بیاید حتی لحاف و تشک هم برای خوابیدن او نخواهد داشت اما در باره خودم، همانطوریکه او اظهار داشت روزیکه به عنوان شهردار انتخاب شدم ده پیسه نداشتم و حالا اندازه دوصد و پنجاه مزرعه زمین دارم. خدا را شکر که پول هم به حد کافی دارم... او پتلون اتو کرده دارد، نکتایی و عینک دارد. من سواد و خط ندارم و شما همه چیز را می دانید. سخنرانی ها به پایان رسید و مردم پراکنده شدند. قرار بود دو روز دیگر انتخابات عملی شود. دوستان و هواداران رحیم خان مغازه دار مشهور به "رحیم خان کلانتر" در مغازه دور او جمع شدند.

چکار کردی رحیم خان؟ این چه سبک سخنرانی بود؟ تو بشیرخان را فرشته ثابت کردی... مگر او شما را خریده بود؟

رحیم خان قهقهه می خنید:



خدمات بانکی غضنفر بانک

غضنفر بانک با استفاده از همکاریهای بانک مرکزی، در نظر دارد خدمات بانکداری را در هر نقطه کشور و جهان برای مشتریان خویش فراهم نماید. در حال حاضر غضنفر بانک دارای ۱۰ نمایندگی در ۷ ولایت کشور می باشد، همه این بخش‌ها باهم در ارتباط هستند. مشتریان می توانند برای انجام معاملات مالی خود از هر بخش غضنفر بانک استفاده نمایند.



غضنفر بانک هرجا و هر لحظه با شماست



حکایت

عشق و ثروت و موفقیت

زنی از خانه بیرون آمد و سه پیرمرد را با چهره های زیبا جلوی در دید.

به آنها گفت: «من شما را نمی شناسم ولی فکر می کنم گرسنه باشید، بفرمائید داخل تا چیزی برای خوردن به شما بدهم.» آنها پرسیدند: «آیا شوهرتان خانه است؟»

زن گفت: «نه، او به دنبال کاری بیرون از خانه رفته.» آنها گفتند: «پس ما نمی توانیم وارد شویم منتظر می مانیم.» عصر وقتی شوهر به خانه برگشت، زن ماجرا را برای او تعریف کرد.

شوهرش به او گفت: «برو به آنها بگو شوهرم آمده، بفرمائید داخل.»

زن بیرون رفت و آنها را به خانه دعوت کرد. آنها گفتند: «ما با هم داخل خانه نمی شویم.»

زن با تعجب پرسید: «چرا؟!» یکی از پیرمردها به دیگری اشاره کرد و گفت: «نام او ثروت است.» و به پیرمرد دیگر اشاره کرد و گفت: «نام او موفقیت است. و نام من عشق است، حالا انتخاب کنید که کدام یک از ما وارد خانه شما شویم.»

زن پیش شوهرش برگشت و ماجرا را تعریف کرد. شوهر گفت: «چه خوب، ثروت را دعوت کنیم تا خانه مان پر از ثروت شود! ولی همسرش مخالفت کرد و گفت: «چرا موفقیت را دعوت نکنیم؟»

فرزند خانه که سخنان آنها را می شنید، پیشنهاد کرد: «بگذارید عشق را دعوت کنیم تا خانه پر از عشق و محبت شود.»

مرد و زن هر دو موافقت کردند. زن بیرون رفت و گفت: «کدام یک از شما عشق است؟ او مهمان ماست.»

عشق بلند شد و ثروت و موفقیت هم بلند شدند و دنبال او راه افتادند. زن با تعجب پرسید: «شما دیگر چرا می آید؟»

پیرمردها با هم گفتند: «اگر شما ثروت یا موفقیت را دعوت می کردید، بقیه نمی آمدند ولی هرجا که عشق است ثروت و موفقیت هم هست!»

آری... با عشق هر آنچه که می خواهید می توانید به دست آورید.





و پر ۵ "داستان"

نصرت الها

خو دا غریب خه خبر و چې خان صیب له خپل
مطلوب پرته او یاهم پرته له سوده چاته پیسې نه ورکوي.
خان صیب یو خه غلى و وروسته یې ورته وویل: ته مازديگر
راشه نوسره پوه به شو، اوس لار شه داسل روپی درسره واخله
د اوس لپاره دې خپله اړتیا پرې پوره کړه.

لدي سره یې یوسل ګون لوټ ورته په لاس کې
کینښود، او زیاته یې کړه: مازديگر خامخارашه.

سلګون یې ترې واخیست خدای پامانی یې وکړه
اوډکور په لور وڅوڅید.

توله ورڅه یې آرام ونه نیو، دمازديگر دآذان سره سم
دخان صیب کورته ورسید، دروازه یې وټکوله، خان صیب
راهوټ، ستړی مشې یې وکړل او به حجره کې دواړه په یوازې
سره کیناستل.

دچای پیالې یې ڈکې کړي او بالښتونوته یې ډډې ووهلي.
که خه هم په کوتله کې هیڅ خوک نه ئ، خوخان
صیب په تیست آواز ورته وویل: ته ډېر بنه څوان یې او داکار
کولی شې.

دنیستی نه پوزې ته راغلی و، ګردابوړه یې په کور
کې نه وه پاتې، په ذهن کې به رنګارنګ خبرې ورګړیځیدې.
کله به یې دغلا پلان جوړاوه، کله به یې ویل راخه فلانی ته
ورشه که قرض درکړي، کله به یې ویل نه، فلانی یې نه
راکوي فلانی به بنه وي.

په همدې فکرولو کې و چې یو خل یې په زړه کې
خان صیب ورتیر شو. پرېکړه یې وکړه چې له خان صیب نه
یوڅه روپی په پور واخلي دکور اړتیابه هم پرې پوره کړي
اوڅه کاروبار به هم پرې پیل کړي. سبا سهار وختی دخان
صیب حجري ته ورغني، خان صیب چې له کوره راهوټ له
نورو خلکو یې راييل کړ، خپله مجبوري یې ورتنه خرګنده کړه:
خان صیب چې په چا ډې تکیه کوله دهغوى ټولو قرضداريم
اوږیامې خوله ورته نه شم جینګولۍ، په تاسومې زړه او به
وڅښلې، خان صیب تشن مې مه لیږئ خه مرسته راسره وکړئ
زه به پرې خه کارروان کرم تاته به ستا قرض بېرته درکرم
دعابه هم درته کوم.



تپه تیاره ده، سپوردمی هم خچل مخ دورېخو په
حجاب کې نغښتی، ټوپک په لاس غلي علی قدمونه اخلي،
دڅلوا قدمونوله آوازه هم وپرېږي.
چې منزل ته په رسیدو شو پښې یې په رپیدو شوې،
لړ شیبې وروسته دهغه چا د کور وره ته ولاړو چې غوبنتل یې
وېې وژني لړ تم شو دروازې په خوله کې ودرید، ډول ډول
اندېښنو او فکرونې نه پرېښود ترڅو مخکې قدم واخلي، ناخابه
له دروازې نه راوګرځید او په منډه، منډه کورته راغي.
سبا سهار وختي چې خان صېب د جناري د جماعت د اعلان په
تمه ناست و دروازه وټیکیده، هغه د سهار په خړه ټوپک په
لاس د خان صېب د کور دروازې ته ولاړو، د خان صېب په
لیدو یې په چې خوله پیسې او ټوپک دواړه ورکړل.
خان صېب وپښتل: ولې؟
ده خواب ورکړ: خان صېب سخت ووپرېدم.
خان صېب وویل: له چانه ووپرېډی زوروره، نام
خدا زیور سړی یې او هله خوڅه کوم پیره دار نه و چې ته
ترې ووپرېډی. ده اسمان ته وکتل او ګوته یې پورته کړه (له
خدای نه)

هغه ټکان وحوږ په نیالي (توشك) راڅک شو خوخان صېب
خچلې خبرې ته دوام ورکړ: زه به پنځوس زره روبي درکم سره
د ټوپکه، شل زره یې همداوس د مخه، دېرش زره بیاچې د هغه
د مرګ خبر مې واورېډ دربه یې کړم، هم به ستا کار وشي او
هم زما، د داسې خلکو مرګ هسې هم روا دي.

هغه د فکر طوپان په مخه کړ، پنځوس زره روبي دده
اوسم پاره له هرڅه نه مهمې وي، خو قتل !!! غونې یې زیږ شو،
یا یې خچل حواس سره راتول کړل په زړه کې یې ورتیر شول،
دا خو اوسم د دنیا نرڅ دی، او له نرڅه به خه وڅي، خچل
مجبوریت او د خچل او لادونو لوړه یې مخې ته ودرېډه، هغه
منډې وريادي شوي چې د مزدوری پسې ګرځیده خو مزدوری
هم لکه د مرغى شودې، دا خومه ورڅ د چې د خلکو
دروازې لکه سوالګر تکوم خو هريو مې یې نوا رخصتوی په
همدې سوچ په کشمکش کې د اولاد مینه پري خواکمنه شوه
او خان صېب سره یې هوکړه وکړه، خان صېب هم مابسام
راوغونښت او وېې ویل چې پیسې او ټوپک دواړه به تیار وي،
دشپې ناوخته یې دخپل منزل په لور قدمونه چېټک کړل.



- To be regarded as the most serious competitor in the Financial Market of the Country
- To expand our customer base and achieve their patronage and trust towards the bank
- To be a most compliant bank with all the Regulations of the Regulatory Authority (DAB)
- To make the working environment of our Bank as of one of best among our contemporaries and competitors
- To be able to serve the people of this country in all the Financial related matters

The other message to you is that every employee of our Institution must be imparted the best training in their respective areas of engagement. Please forward to me suggestions about your training requirements so that necessary arrangements are made for achieving this objective.

I look forward to your active participation as members of this family and trust that you would definitely contribute to the performance of our Organization which shall by grace of God grow stronger with the passage of each day.

Thank you and wishing you all the best
Mohammad Jawaid Iqbal Khalil



Message of the Chief Executive Officer of Ghazanfar Bank to the Employees



After taking charges as the CEO of Ghazanfar Bank during the month of June, my first priority was to set a number of things in order. That is the reason why I could not communicate with the employees of our Institution. Following is my message to all of you:

1. I regard the employees of our Organization to be the most valuable asset of our Bank.
2. I look forward to work with all of you as a well coordinated team.
3. All problems have a solution and whatever problems that the employees of this Bank may be facing are needed to be solved immediately. All the employees are therefore free to communicate with me regarding such matters.
4. Although all of you are extremely hardworking, but still I request you to please put-in more efforts for the progress and prosperity of this Bank and for the achievement of our Key Goals which are stated below:
 - To achieve our business targets
 - To increase awareness about our products in the Market
 - To achieve our due market share
 - To offer best possible services to our customers